هوشنگ سیحون هنوز در میان ماست، او یکی از عشاق هنر ایران است و به قول ِ خود او: « کلام آخر من ایران است».   
-    
اویی که ذخایر فرهنگی دورافتاده ترین نقاط ایران را کشف و ثبت کرده و ارزش هنری شان را به خود ایرانی ها نشان داده است.   
ختم کلام اینکه، نگذاریم هنرمند ایرانی، جامعه خودش را دور بزند تا بعد، جامعه ی خویش را متوجه حضور خود کند.   
هوشنگ سیحون امروز هشتاد و دو ساله است.

**آرامگاه شيخ ابوعلي سينا**

توصیف مجموعه از زبان استاد هوشنگ سیحون :

هيئت موسسان انجمن آثار ملي در سال 1324با پيش فرض برتري تلفيق معماري قديم و جديد،يك مسابقه معماري بين معماران آن دوره ترتيب داد كه با نظر گدار و فروغي طرح هوشنگ سيحون به عنوان بهترين طرح برگزيده شد.جايزه بهترين طرح اجراي ساختمان بود.بعد از تصويب نهايي در سال 1326انجمن آثار ملي تصميم به ساخت مقبره ابوعلي سينا گرفت.

سيحون در آن زمان براي تكميل تحصيلات خود در پاريس به سر مي برد و پس از آگاهي از تصميم انجمن در خرداد ماه 1327طرح نهايي را كه در اصل به عنوان پايان نامه خود در پاريس ارائه كرده بود،در سال 1328قراردادساخت مقبره به پيمانكار شركت ابتهاج و شركا واگذار شد.

محمد تقي مصطفوي در رابطه با ايده اصلي مقبره مينويسد:

اختلاف عمده كه برج آرامگاه بوعلي سينا با گنبد قابوس دارد دو چيز است:يكي اينكه به مناسبت موقعييت و محدود بودن فضاي آرامگاه بوعلي و هم چنين توجه به ميزان مخارجي كه پيش بيني مي گشت ابعاد برج آرامگاه بوعلي نصف ابعاد گنبد قابوس در نظر گرفته شده و در حالي كه در ابتداي امر چنين تصميمي نگرفته بودند. اختلاف عمده ديگر اين است كه فاصله بين ترك هاي آرامگاه بوعلي سينا باز و گشاده است درصورتي كه بناي گنبد قابوس تا بالا جز در ورودي و روزنه كوچكي در پايين گنبد هيچ گونه منفذي به خارج ندارد و به سبك آن دوران چون دخمه تاريك و فاقد روشنايي است و اين ابتكار يعني باز گذاردن فواصل ترك ها در برج آرامگاه بوعلي علاوه بر آنكه با وضع اقليمي همدان و بادهاي شديد آن سرزمين عمل بسيار مفيد و مناسبي محسوب مي شود.

سيحون در باره ايده ي اصلي طرح خود مي گويد:

اولين بناي ياد بودي كه با طرح اين جانب برپا شد بناي ياد بود و آرامگاه ابوعلي سينا در همدان است.

تمام عوامل بنا از اشكال هندسي و نمادين تشكيل شده و هر كدام مفهوم خاص خود را دارند.مربع اساس و پايه ي اين بناست.خود آرامگاه در وسط تالاري مربع شكل قرار گرفته كه پله مدور و پايه هاي دوازده گانه برج يادبود به دور دايره پله مزار را احاطه كرده. شكل بنا از خارج داراي دو قسمت است يكي قسمت زيرين كه در برگيرنده ورودي،مقبره،كتابخانه،تالاراجتماعات و پذيرايي است و ديگري قسمت بالا كه

كه برج يادبود بناست در ميان باغي در اطراف آن.قسمت زيرين بنا ازطرف ورودي داراي ايواني است با ده ستون كه هر ستون علامت يك قرن است و ده قرن اشاره به هزاره بوعلي است. از طرف ديگر بوعلي دانشمندي است بلند پايه با دانش هاي متعدد،فلسفه،حكمت،پزشكي،موسيقي،كيميا وغيره كه بعضي ها اورا متفكر دوازده دانش دانسته اند.

ستون بندي وديوار پر در قسمت زيرين نماي اصلي اشاره اي است به معماري يونان قديم وبرج دوازده ترك در بالا از طرفي اشاره بهبناي همزمان بوعلي يعني گنبد قابوس است و بر دانش هاي دوازده گانه بوعلي را تداعي مي كند.هم چنين فلسفه ايران را بر پايه ي فلسفه يونان نشان مي دهد.

اين ايوان ده ستوني و برج بتني بازمجموعا در نما داخل يك مربع بزرگ با ضلع 28.5متر جا گرفته كه البته خود مربع ديده نمي شود ولي ضلع افقي آن كف ايوان وضلع عمودي از كف زمين تا راس برج است و نماد انسان ايستاده با دست هاي گشاده كه خود بوعلي است تداعي مي كند. يعني انساني در راه كمال.هم چنين از مشتقات اين مربع خطوط مهم نهاد در منتهي اليه به دست مي آيد.با دقت به جزييات اين بنا مشخص مي شود كه شكل مربع چه در نقشه چه در نما به صورت مختلف به كار رفته .از جمله در قسمت ورودي پنجره هاي كتابخانه و سالن اجتماع هر كدام داراي سه قسمت مربعي شكل هستند كه باز هم با شبكه هاي سنگي مربع به اجزائ كوچكتر تقسيم شده اند.سقف ايوان در فاصله ستون ها داراي فرو رفتگي مربع شكل است.چراغ ها از اجزائ مربع شكل ساخته شده اند؛تالار آرامگاه نقشه مربع دارد؛خود سنگ مزار در داخل يك مربع مرمري جا گرفته.در بالا مصطبه برج ياد بود مربعي شكل است.استل برتري(مكعب چهارگوش)وسط آن مربع است و اقطارش در قسمت پوشش چهار مثلث به وجود آورده اند؛كه راس آن ها بالاترين نقطه (استل)است.در هاي ورودي با جزييات بزرگ و كوچك مربع ساخته شده اند.به طور كلي بيش از 500مربع با ابعاد وموقعيت هاي مختلف در اين بنا گنجيده شده كه قبلا به خواص هندسي و نمادين آن اشاره كرديم.

طراحي كه در سطح پايين يعني هم كف و چه در سطح بالا كه تماما خاك ريز شده بر اساس باغ ايراني با سنگ آب يك پارچه از سنگ خارا و چشمه سارهاي مخصوص انجام گرفته است.ساختمان تماما از سنگ خاراي همدان و برج ياد بود و پوشش ها تماما از بتون مسلح نمايان ساخته شده اند.

مساحت اراضي محوطه مقبره حدود هفت هزار متر مربع ،طول بناي آرامگاه 64متر و رو به خيابان بو علي است و نماي آن از سنگ خارا پوشيده شده است. سطح حياط با سه پله سراسري به ايوان متصل است.ايوان به طول 30متر و عرض 3متر در شرق ساختمان قرار دارد؛ده ستون به ارتفاع 4.1متر به صورت كم وبيش مخروطي(قطر پايين ستون ها 95سانتي متر و در بالا75 سانتي متر است)ساخته شده است.نماي كلي ايوان يادآور معابد باستاني است.ايوان با دري به ارتفاع 3.24متر و عرض 1.9متربه سرسراي آرامگاه متصل است.طول سرسرا 8.8متر و عرض آن 6.3متر به ارتفاع 4.19متر طراحي شده.در طرف راست و چپ سرسرا سنگ قبر قديم ابوعلي سينا و ابوسعيد دخدوك بر روي پايه هايي از سنگ خارا قرار دارد .

محوطه اصلي مقبره 4گوش و هر ضلع آن 11.5مترو مساحت آن 132.5متر مربع است .دوازده پايه ي برج آرامگاه در اين محوطه 4گوش قرار داردو قبر ابن سينا در ميان پايه هاي برج محصور است.در دو طرف سرسرا دو تالار قرار دارد،يكي در جنوب كه تالار سخنراني و اجتماعات است و يكي در شمال كه كتابخانه آرامگاه است.طول تالار كتابخانه 9.45متر و عرض آن5.75متر است .در سمت غرب تالار كتابخانه ،مخزن كتاب .در قسمت جنوب شرقي ساختمان پلكاني تعبيعه شده كه رو به جنوب بالا مي رود و پس از رسيدن به يك پاگرد رو به شمال يعني در جهت مخالف بالا مي رود و به جايگاه مي رسد. اين پلكان 32 پله دارد.همچنين دو پلكان در سمت جنوب ساختمان و انتهاي جبهه ي اصلي بنا قرار گرفته كه هر كدام 34پله دارد؛اين سه پلكان به سطح فوقاني(به مساحت 1480 مترمربع با ديواره هايي به ارتفاع 85سانتي مترو قطر 75سانتي متر) ساختمان منتهي مي شود.برج دوازده ترك آرامگاه 23متر از روي سقف مقبره و28.5متر از كف بناارتفاع دارد.

در وسط برج صندوق چهارگوش مفرغي كه علامت بالاي مرقد است بر كف فوقاني آرامگاه نصب شده است.طول هر ضلع قسمت پايين اين صندوق 1.12متر و طول هر ضلع قسمت بالاي آن 1مترو ارتفاع 37سانتي متراست.بر چهار بدنه آن كتيبه عربي به خط ثلث برجسته بسيار شيوا نوشته شده كه در باره ي مرگ آدمي از نظر ابن سيناست.

پس از سال 1349 شهرداري همدان با واگذار كردن چند قطعه زمين به آرامگاه و طراحي باغچه ها ميدانگاهي با فضاي سبز به وجود آورد.در سال 1350ساختمان هاي جديدي در جنوب آرامگاه شامل دو اتاق براي دفتر،گلخانه،اتاق فروش بليط،انبار،مهمانسرا(دو اتاق با سرويس بهداشتي)با نماي سنگ گرانيت به مجموعه اضافه شد.

**آرامگاه نادر شاه افشار**

در ادامه ساخت وسازهاي انجمن آثار ملي،طرح مقبره نادر شاه در اسفند 1333به مسابقه گذاشته شد.در مرداد1334،طرح هوشنگ سيحون به عنوان برنده مسابقه اعلام شد.همزمان با ساخت مقبره طرح مجسمه نادر شاه به استاد ابالحسن صديقي سفارش داده شد.

ساختمان آرامگاه نادر شاه افشار در استان خراسان رضوی و شهر مشهد ، شامل تالار مقبره ، دو موزه یکی برای جنگ افزار زمان نادر و یکی جهت اسلحه زمان ماقبل نادر و برج مرتفعی برای برپا کردن مجموعه مجسمه نادر سوار بر اسب قزل باش ها که اشاره به سپاهیان نادر است.

این ساختمان بر اساس دو شکل اصلی هندسی یعنی مربع و مثلث طراحی شده است و طرح راهنما مبنای آن را تشکیل می دهد که چهل و اندی سال پیش در مشهد و به کل از سنگ خارای مشهد با قطعات بزرگ ، اشاره به صلابت و عظمت نادر شاه ، به وجود آمده است.

تالار آرامگاه به شکل مربع از دو دیوار قرمز رنگ سنگی بسته و در قسمت ستون بندی باز تشکیل شده است که سنگ مزار نادر در گوشه این مربع در پناه دو دیوار جای دارد و به طرف بیرون نگاه می کند.

این زاویه و پناه و باز بودن تالار حالت صحنه جنگ و دفاع و حمله را تداعی می کند . رنگ قرمز دو دیوار به مفهوم جنگ است و برجستگی های با ابعاد متفاوت سنگی که از دیوار بیرون آمده اند ، نبردهای مختلف نادر را نشان می دهند. ستون های اطراف تالار از نقشه مربعهای قاعده و بالای ستون به ترتیبی که 45 درجه نسبت به هم چرخش دارند طرح شده که در نتیجه هشت مثلث با چهار قاعده در بالا و چهار قاعده در پایین ، نشانه ای از کلاه نادر است.

تراش همه سنگ ها از داخل باشد و این به معنای ایجاد قدرت تجسمی و تصویری بیشتر است. فقط در قسمت موزه کوچک سه ناودان عظیم سنگی از متن بیرون آمده اند که بیشتر جنبه زیبایی دارند.

بنا کلا روی سکویی که از کف زمین در حدود 2 متر بالاتر است قرار گرفته است.

در نمای ورودی به طرف چپ نزدیک موزه بزرگ روی تراس یک حوضچه با سنگابه یکپارچه از خارا ساخته شده است.سنگابه از بالا شکل یک مثلث متساوی الاضلاع را دارد و از نماهای جانب شش مثلث بزرگ و کوچک یک در میان حجم آن را به وجود آورده اند.

پوشش بنا در کل از بتن مسلح نمایان انجام شده است. در تالار آرامگاه یک پوشش مربع شکل بزرگ با تراش های مثلثی از داخل و بیرون و مرتفع تر از قسمت های دیگر طوری ساخته شده که چهار مثلث بزرگ مشرف به ستونهای هشت گانه ی داخل تالار با نقش هندسی مخصوصی از سنگهای مرمر نازک یزد ، نور زرد رنگ ملایمی به داخل آرامگاه پخش می کند.دربهای فلزی داخل برای موزه ها و فضای زیر برج و همچنین نرده های دورتادور باغ شکل تبرزین نادر را تداعی می کنند. برای طراحی باغ نیز اشکال مربع و مثلث استفاده شده ، آبریزها و حوضها و جویبارها همه بر پایه ی باغ ایرانی طراحی شده ، در یک گوشه ی باغ ، بناهای فرعی برای تالار اجتماع و کتابخانه و سرویس و گلخانه در نظر گرفته شده که در حالت هماهنگی با خود بنای آرامگاه می باشد. مجموعه مجسمه ها توسط آقای ابوالحسن صدیقی در رم ساخته و با برنز ریخته شده اند.

مساحت كلي باغ و آرامگاه حدود 14هزار مترمربع است. باغ از 4طرف به 4خيابان متصل است و به ديواري با سنگ گرانيت و با تلفيق نرده داي آهني به نقش تبرزين دور مقبره كشيده شده.

بناي اصلي آرامگاه به مساحت 12هزار متر مربع ،سه ايوان شرقي،جنوبي وغربي متصل به يكديگر و سه راهرو وپله دارد؛اصل بنا چهار قسمت دارد:تالاري به طول و عرض 15.5در 8.4متر كه هفت پنجره بزرگ به طرف جنوب دارد.

فضاي اصلي مقبره 15در15متر و دو طرف آن به عرض تقريبي 4متر و ارتفاع 2.5متر؛16ستون يكپارچه سنگي به ارتفاع 2.26در اطراف مقبره قرار دارد؛سقف مقبره بيش از 6متر ارتفاع دارد.

[url=http://www.lajourd.com/images/seihun/5B.jpg][/url] 

**آرامگاه خيام در نيشابور**

این بنای جادویی مبتني بر اصول رياضي و مثلثاتي خيامي،محاسبه و طراحي شده؛سير در دهليزها و طاق و ايوان مقبره،خود سفري ست به جهان بي نهايت معاني خيام. كه در مرداد 1335 انجمن آثار ملی در نامه ای به مهندس سیحون نوشت که وضع بنای موجود آرامگاه خیام متناسب با شخصیت علمی و هنری خیام نیست و انجمن در نظر دارد در این مورد اقداماتی به عمل آورد .از سیحون خواسته شد طرح و نقشه جدیدی متناسب با شخصیت خیام طراحی کند . محل جدید آرامگاه انتخابی سیحون در ((گوشه شمالی باغ)) مورد تایید انجمن قرار گرفت و در پی آن طرح پیشنهادی سیحون در 1337 به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فرستاده شد.مهندس محسن فروغی رئیس دانشکده هنرهای زیبا در نامه بعد از گزارش فروغی به انجمن سیحون در اسفند 1337 متعهد شد نقشه های قطعی و نقشه های اجزای کار را شامل مقبره اصلی - سکو بندی اطراف و آبنماها و بناهای تابعه آن وهمچنین نظارت کار را هرچه زودتر برای ساخت مقبره به انجمن تحویل دهد .

سیحون مشخصات فنی بنا را چنین توضیح می دهد :"استخوان بندی بنا فلزی و دارای روکش آلومینیوم خواهد بود در قسمت سقف نوعی شیشه های ضخیم الوان و در متن قسمت بدنه با کاشی پشت و رو تزیین خواهد شد.زیر سازی بنا با بتون و کرسی و پله ها با سنگ گرانیت و بدنه دیوار مجاور آبنماها با سنگ تراورتن و سنگ روی قبر از سنگ سیاه مشهد خواهد بود ."   
  
  
سیحون و حسین جودت اعلام کردند :   
  
  
" طرح اولیه ساختمان آرامگاه خیام با استخوان بندی فلزی تهیه گردید و در نظر بود که روکار آن با آلومینیوم پوشیده شود پس از مراجعه به اهل فن معلوم شد که روکش آلومینیوم بر فلز آثار نامطلوبی از لحاظ ترکیبات شیمیایی دارد .از این رو تصمیم گرفته شد

که کار با بتن ظریف اجرا گردد و ارتفاع آرامگاه نیز از 12 متر به 22متر ترقی داده شود تا عظمت بیشتری پیدا کند ."   
آنها متذکر شدند :   
" ارجاع کار به یک شرکت پیمانکار خارجی جهت ساخت مقبره مستلزم تحمل هزینه زیاد است و از طرفی شرکت ساختمانی کا.ژ.ت تعهد نموده که در صورت نیاز متخصصین خارجی را جهت نظارت و اجرای درست کار استخدام نماید و از طرفی به اثبات رسیدن شایستگی شرکت کا.ژ.ت در ساخت مقبره نادرشاه بر همگان آشکار شده است و شایسته است که ساخت مقبره خیام نیز به شرکت مزبور داده شود ."   
در 1338 ساخت آرامگاه شروع شد و دراین سال قسمتهای عمده کار از جمله گود برداری بتن ریزی های بنا و طرح محوطه به اجرا در آمد.در سال 1341 پس از سه سال کار مداوم کار ساختمان آرامگاه به پایا ن رسید .   
مقبره خیام از لحاظ معماری و ساخت یکی از مهم ترین ساختمانهای ساخته شده در زمان خود است .   
ارتفاع مقبره 22 متر است و استخوان بندی اصلی آن فلزی محاط در پوشش بتنی است.شکل بنا در پایین تقسیم بندی ده گانه دارد و فاصله پایه ها 5 متر است.اضلاع بنا مستقیما به سمت بالا ادامه یافته و به صورت اشکال هندسی منظم تورفتگی پیدا میکنند

و بعد به صورت تقریبا مخروطی شکل به هم رسیده شبه گنبدی را در بالا به وجود می آورند که قسمت عمده آن مشبک وتو خالی و یادآور ستاره ای است که نماد شخصیت علمی و ستاره شناسی خیام تلقی می شود .   
سطح داخل و خارج مقبره با کاشیهای معرق و اشعار خیام مزین شده است.روکار بنا معرق کاری سنگی استو با قطعات نازک سنگهای محکم و شفاف ساخته شده است.در کنار آرامگاه هفت خیمه سنگی بسیار زیبا وجود دارد که در زیر هرکدام یک حوض آب با کاشی فیروزه ای رنگ ساخته شده است .

حال می پردازیم به شرح بنای یادبود خیام.در چهار مقاله نظامی عروضی آمده است :شنیده بودم که خیام گفته بود : ( من آرزو دارم مزارم در جایی باشد که در بهاران برگ گل روی مزارم بریزد )   
بنابراین بنای یادبود و آرامگاه باید طور ی ساخته می شد که باز باشد و این خواسته خیام انجام شود. در منتهی الیه محور نامبرده که فاصله نسبتا قابل توجهی با امام زاده محروق داشت در میان درختان کاج تنومند و زرد آلو محل مناسب بنا در نظر گرفته شد در اینجا اختلاف سطحی در حدود 3 متر وجود داشت که در فصل بهار شکوفه های زرد آلو روی مزار میریزد . از همین وضعیت استفاده شد و مجموعه بنا شامل یک برج و چشمه سارهای اطراف آن به دور یک دایره بزرگ طراحی شد به طوریکه برج هم کف زمین و چشمه سارها در اختلاف سطح قرار گیرند .

خیام در واقع سه شخصیت دارد : ریاضی دان است- منجم و شاعر که باید هر سه شخصیت در بنا نشان داده می شد . دایره کف به ده قسمت تقسیم شد به طوری که برج یادبود بر 10 پایه مستقر باشد. عدد 10 اولین عدد دو رقمی ریاضی است و پایه اصلی بسیاری از اعداد است .   
از هر یک از پایه ها دو تیغه مورب به طرف بالا حرکت می کند به ترتیبی که با تقاطع این تیغه ها حجم کلی برج در فضا ساخته می شود و چون تیغه ها مورب اند خطوط افقی آنها باید ناظر به محور عمودی برج باشد . پس تیغه ها به صورت مارپیچ شکل به طرف بالا حرکت می کنند تا با هم تلاقی کنند و از طرف دیگر سر در بیاورند که خود یک شکل پیچیده ریاضی و هندسیاست. این شکل با عدد 10 هر دو سمبل دانش ریاضی خیام است.بر خورد تیغه ها با یکدیگر فضاهای پر و خالی وبه خصوص در بالا ستاره های درهمی را به وجود می آورند که از لابلای آنها آسمان آبی نیشابور پیدا است و به تدریج به طرف نوک گنبد ستاره ها کوچکتر می شوند تا درآخر یک ستاره پنج پر آنها را کامل میکند.این ستاره ها و آسمان اشاره به شخصیت نجومی خیام دارد . و اما برخورد تیغه ها با هم ده لوزی بزرگ می سازند که باید با کاشی کاری پر شوند. بهترین تزیین خود رباعیات خیام بود که به صورت خط شکسته و در هم به روش(( سیاه مشق)) های خطاطان بزرگی مانند میر عماد و بعضی استادان شکسته نویس با کاشی به صورت نقوش انتزاعی سرتاسر لوزی ها را پر کند .به تقاضای(( انجمن آثار ملی)) شادروان استاد جلال همایی بیست رباعی به این منظور انتخاب کردند و استاد مرتضی عبدالرسولی با نظر اینجانب که به صورتیکه می خواستم, این خطوط در هم و تزیینی باشند زیبا نویسی ها را انجام دادند که با کاشی معرق آماده و به شکل کتیبه های تزیینی به ارتفاع حدود 14 متر داخل لوزی ها نصب شد که باید گفت در تاریخ معماری ایران اولین بار بود که خط شکسته در تزیینات بنا به کار رفت . از داخل نیز قسمت های پر از جمله همین لوزی ها با نقش گل و برگ و پیچک باز از هم با کاشی معرق تزیین گردیدند و تماما اشاره به شخصیت شاعری خیام است .   
دور تا دور برج در قسمت اختلاف سطح چشمه سارها در اطراف یک دایره وسیع به مرکز خود برج ساخته شد.همه از سنگ گرانیت با اجزا مثلثی شکل و تورفتگی و برون آمدگی هایی که تا اندازه ای شکل خیمه را تداعی میکنند واین اشاره به نام خیام است .   
چون پدرش خیمه دوز بود نام او به همین مناسبت انتخاب شد . از طرف دیگرحوض ها با کاشی فیروزه که در مجموع قسمتی از ستاره را نشان می دهند به تعداد هفت پر به مفهوم هفت فلک و هفت آسمان و هفت تپه باز اشاره به افلاک و نجوم دانش دیگر خیام است.روی هم رفته مجموعه در یک حال و هوای شاعرانه با درختان تنومند در اطراف ساخته شد .و همان طور که خواست خود خیام بوده کاملا باز است و مزارش بهاران گل افشان.در قسمت دیگر باغ بناهای دیگری جهت کتابخانه و مهمانسرای موقت با ملحقات برای مستشرقین و محققین ساخته شده است که از شرح جزییات صرف نظر میشود .

آرامگاه كمال الملك در نيشابور

سيحون همزمان با طرح آرامگاه خيام طرح بازسازي و مرمت آرامگاه عطار وطرح بناي جديد آرامگاه كمال الملك را به انجمن آثار ملي پيشنهاد داد.به گزارش انجمن در اسفند1337سيحون در قراردادي با انجمن تعهد كرد طرح مقبره خيام و بازسازي مقبره عطار و طرح بناهاي آرامگاه كمال الملك را به صورت كامل به انجمن آثار ملي تحويل دهد.سيحون متعهد شد طرح مقبره كمال الملك را در دو ماه تهيه كند و به عنوان ناظر انجمن كار نظارت پروژه را به عهده بگيرد.كار در سال 1338 به شركت كا.ژ.ت واگذار شد و پي سازي آرامگاه،نصب استخوان بندي آهني و كاشيكاري بنا تهيه و نصب سنگ مزار و نقش برجسته ي نيم تنه سنگي كمال الملك كار استادابوالحسن صديقي و احداث دو حوض در محوطه مقبره انجام گرفت و در سال1342رسما گشايش يافت.مقبره كمال الملك در ضلع شمالي مقبره عطار با بتن مسلح بنا و با زيربناي 28متر مربع ساخته شده است؛شش ايوانچه مقعر با پوشش كاشي معرق به رنگ هاي لاجوردي،سفيد و...تزيين شده است.

سيحون در رابطه با ايده مقبره مي نويسد:

از باغ خيام بعد از طي نزديك به دو كيلومتر به سمت غرب،به باغ ديگري مي رسيم كه مدفن شيخ فريدالدين عطار است و يك بقعه قديمي آن را در بر دارد.در جوار آرامگاه عطار با فاصله محل به خاك سپردن نقاش مشهور كمال الملك است كه طرح بناي يادبودش نيز به عهده اين جانب قرار گرفت.اين بنا در نقشه از دو مربع تشكيل شده و تناسب يك بر دو دارد؛براي هر واحد يعني هر ضلع مربع در نما يك قوس درنظر گرفته شد كه در چهار ضلع كه در چهار ضلع مستطيل 6قوس زده شد.علاوه بر اين دو قطر هرمربع دو قوس ديگر را تشكيل مي دهند كه از داخل با هم تلاقي مي كنند.پس چهار قوس هم از داخل زده شده كه مجموعا مي شود ده قوس.برخورد اين قوس ها و پوشش ها آن ها در بالا اشكال هندسي مخروطي شكلي را به وجود آورده اند كه ابتكاري است هندسي با تزيينات كاشي معرق روي آن ها.سنگ روي مزار از گرانيت مشهد و از دو قسمت مرتفع و خوابيده ولي يكپارچه تراشيده تشكيل شده است كه روي قسمت مرتفع چهره كمال الملك به صورت نقش برجسته حجاري شده.بنا و پوشش آن از بتن مسلح است.

**تجلیل از یک آرشیتکت برجسته ایرانی در موزه هنری شهر لس آنجلس**

انجمن معماران و طراحان ایرانی لس آنجلس طی مراسمی که در تالار «بینگ» موزه هنری این شهر LACMA برگزار می شد از هوشنگ سیحون، مهندس معماری که بنای مزار بوعلی سینا، مقبره نادرشاه و بنای یادبود عمرخیام در ایران از آثار طراحی اوست تجلیل کردند.این مراسم که هم زمان با سالروز ٩٠ سالگی این هنرمند برجسته ساکن ونکوور کانادا برگزارمی شد، با خوشامد گویی نماینده انجمن معماران و طراحان ایرانی لس آنجلس و نمایش فیلم مستندی از زندگی حرفه ای مهندس سیحون آغازشد. این مستند که توسط نشریه «[معمار](http://www.serin.blogfa.com/)» در داخل ایران تهیه شده ، تفسیرمصوری است از آثار و از نقش هوشنگ سیحون درصحنه هنر و معماری معاصر و تاثیری که او به عنوان استاد و رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برشاگردان بی شمارخود داشته است. جلسه بزرگداشت مهندس سیحون با سخنرانی حسین امانت، طراح آرشیتکت میدان شهیاد که امروزه به میدان آزادی معروف است آغاز شد. این هنرمند و طراح برجسته ضمن یادآوری خاطرات دانشجویی در مکتب استاد هوشنگ سیحون که اغلب با سفرهای تحقیقی و آموزشی و دیدار از بناهای تاریخی و مهم [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی ایران همراه بود در مورد مسئله کروکی کردن یا طراحی پیش از انجام معماری که هوشنگ سیحون مبتکر آن بوده است سخن گفت با تاکید بر این مسئله که « هرگز پیش از مهندس سیحون که از کودکی به نقاشی و طراحی می پرداخته چنین رسمی رایج نبوده است و امروزه هنوز هم در مدارس [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی ایران از کروکی کردن طرح به عنوان یکی از تکنیک های ضروری [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی استفاده می شود.»

معمــــار



معمــــار

دربخش دیگری از این برنامه سه ساعته پروفسور تالین گرگور، کارشناس معماری مدرن و معاصر خارج از کشورهای غربی درباره خصوصیات طرح های [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی مهندس سیحون، این طراح برجسته آرامگاه بزرگانی چون «کمال الملک»، کلنل محمد تقی پسیان ، بنای موزه شهر توس و ساختمان بانک سپه در میدان توپخانه سخن گفت.

هوشنگ سیحون در سال ۱۲۹۹ در تهران و در خانواده ای اهل موسیقی به‌دنیا آمد. پدر بزرگ او میرزا عبدالله فراهانی بنیانگذار موسیقی سنتی و معروف به پدر موسیقی سنتی ایران بوده است. مادرش، مولود خانم، از نوازندگان تار و سه تار و احمد عبادی استاد بزرگ سه تار نیز دایی سیحون است. او پس از پایان تحصیلات معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به دعوت آندره گدار (رئیس اداره باستان شناسی وقت ایران) برای دامه تحصیل به فرانسه می رود و در دانشسرای عالی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) به مدت ۳ سال تحت تعلیم « اوتلو زاوارونی» به تكمیل فراگیری هنر [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی می پردازد و در سال ۱۹۴۹ با درجه دكترای هنر از این دانشسرا فارغ التحصیل می شود. او در بازگشت به ایران در سن ٢٣ سالگی نخستین اثر [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی خود که بنای یادبودی بر مزار بوعلی سینا بوده است را طراحی می کند.سیحون در طول سال ها فعالیت هنری و فرهنگی، عضو شورای ملی باستان شناسی ، شورای عالی شهرسازی، شورای مركزی تمام دانشگاههای ایران و کمیته بین المللی ایکوموس Icomos(وابسته به یونسكو در پیش ازانقلاب) بوده و به مدت ۱۵ سال مسؤولیت مرمت بناهای تاریخی ایران را برعهده داشته است.

معمــــار



معمــــار

استاد هوشنگ سیحون که سال ها به تدریس در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران اشتغال داشته و یک دوره نیز به ریاست این دانشکده رسید به عنوان «سازنده بناهای ماندگار» شناخته شده است. هنرمندی که آرامگاه بزرگانی چون فردوسی و خیام و بسیاری از بناهای برجسته دیگری که امروز از افتخارات [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی ایران محسوب می شود از آثار او به شمار می رود. او هم چنین طراحی ساختمان های سازمان نقشه برداری كل كشور، کارخانه نخ ریسی كوروس اخوان، كارخانه آرد مرشدی، مجتمع آموزشی یاغچی آباد، سینما آسیا، سینما سانترال، كارخانه كانادادرای (زمزم فعلی ) در تهران و اهواز ، كارخانه یخ سازی كورس اخوان و حدود ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی را بر عهده داشته است.استاد هوشنگ سیحون طراح یا نقش اندازی است که در دنیای ابعاد، از معانی پر رمز و راز باطن سخن به میان می‌آورد و معانی و فلسفه نظری و وجودی بزرگانی که او [معمار](http://www.serin.blogfa.com/) و طراح آرامگاه آن ها بوده است ، در نقش های بناهای یادبودی که برمزار آن ها ساخته است به خوبی نمایان ‌است. به عنوان مثال در ۱۳۳۸، هوشنگ سیحون آرامگاه حکیم عمر خیام را بر مبنای اصول ریاضی و هندسی خیام ، محاسبه و طراحی کرده‌است.

مهندس سیحون در کتاب «نگاهی به ایران» خود در مورد بنای آرامگاه نادر شاه افشار می‌نویسد:« ماده اصلی ساختمان از سنگ خارای منطقه کوهسنگی مشهد، مشهور به سنگ هر کاره‌است، این سنگ یکی از مقاوم ترین سنگ هایی ست که در ایران وجود دارد.»او دلیل این انتخاب را «برجسته ساختن صلابت و عظمت نادر شاه افشار» می خواند و در ادامه این مطلب می‌نویسد: «شکل کلی و مقبره نادر به شکل شش ضلعی متناسبی است که، شکلِ سیاه چادرها را در تماشاگر بنا تداعی می‌کند، دلیل این امر هم این نکته ‌است که نادر به جای کاخ در زیر چادر زندگی می‌کرد»

معمــــار



معمــــار

سیحون در طول سال ها در کنار [معمار](http://www.serin.blogfa.com/)ی، به نقاشی از مناظر و روستاهای ایران نیز می‌پرداخت و نمایشگاه‌هایی از این بخش از آثار خود در ایران و کشورهای دیگر جهان برپا کرده‌است. آثار وی در نمایشگاهی در دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۷۲ در کنار آثار هنرمندانی چون پیکاسو و سالوادور دالی قرار گرفت. یکی از آثار هوشنگ سیحون که در این نمایشگاه ویژه به نمایش گذاشته شد، تابلویی از «کلاف های خطی» این هنرمند بود که در آن سیحون از شیوه ابداعی و بی سابقه ای از خطوط موازی و پرپیچ و تابی که هیچگاه یکدیگر را قطع نمی کنند استفاده کرده بود. مجموعه ای از آثارنقاشی هوشنگ سیحون که توسط دانشگاه های هاروارد و برکلی گردآوری شده است هم اکنون دراین موسسات فرهنگی نگهداری می شود.

برنامه گرامی داشت هوشنگ سیحون با حضور شهردار شهر بورلی هیلز و مدعوینی که از سراسر جهان برای شرکت در این جلسه به شهر لس آنجلس آمده بودند با سخنرانی نماینده انجمن معماران و طراحان ایرانی و اجرای موسیقی آوانگاراد توسط «سوسن دیهیم»، آهنگساز و وکالیست بین المللی ادامه یافت و پس از اجرای موسیقی سنتی توسط پژمان حدادی نوازنده سازهای کوبه ای، استاد منوچهر صادقی ، موسیقی دان ،آهنگساز و استاد دانشگاه ساکن این شهر قطعه ای از ساخته های خود را به مهندس سیحون اهدا کرد.

مرد بناهای ماندگار ؛ مردی که گل می افشاند تا طرحی نو در اندازد. اگر در لابلای عکس های يادگاری از شهر و ديارتان ايران، عکسی از باغ و عمارت حکيم ابوعلی سينا داريد، طرح اين مرد بزرگ هم نمايان است، اگر لختی در باغ [آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html) حکيم عمر [خيام](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%ae%d9%8a%d8%a7%d9%85.html) و يا در کنار مقبره ی زيبای کمال الملکدرنيشابور مبهوت مانده ايد، بی شک خالق آن همه طرح و نقش را نيز ياد کرده ايد؛بله

هوشنگ سيحون به ميان ما خواهد آمد، معمار و نقاش عمارت ها وموزههای ماندگار؛ طراح موزه[آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html" \o "آرامگاه) نادرشاه افشار و مقبره ی کلنل محمد تقی خان پسيان سردار آزاده ی خراسان ؛ طراح بنای موزه توس و دهها عمارت ديگر.‏

سيحون ، نقش اندازی ست که با ما در دنيای ابعاد ، از معانی پر رمز و راز باطن می گويد، به راستی که او، معانی و فلسفه نظری و وجودی بزرگانی که معمار و طراح [آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html) هر يک از آنان بوده است را در نقش مقبره ی آنان به دام انداخته است، و اين همان جلوه ايی از هنر است که ما را به سوی شعور می کشاند.‏

هوشنگ سيحون در سال 1338 [آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html) حکيم عمر [خيام](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%ae%d9%8a%d8%a7%d9%85.html) را مبتنی بر اصول رياضی و مثلثاتی [خيام](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%ae%d9%8a%d8%a7%d9%85.html)ی، محاسبه و طراحی کرده است؛ سير در دهليزها ‏و طاق و ايوان مقبره ، خود سفری ست به جهان بی نهايت معانی [خيام](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%ae%d9%8a%d8%a7%d9%85.html).‏

سيحون حتی انتخاب مصالح ساخته های خويش را منطبق با خصوصيات شخصيتی و زندگی هر يک از آن بزرگان انجام می دهد، او در کتاب ‏‏« نگاهی به ايران» در مورد بنای [آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html) نادر شاه افشار می نويسد:‏

‏ « ماده اصلی ساختمان از سنگ خارای منطقه کوهسنگی مشهد، مشهور به سنگ هر کاره است ، اين سنگ يکی از مقاوم ترين سنگ هايِی ست‏ که در ايران وجود دارد، او دليل اين انتخاب را اشاره به صلابت و عظمت نادر شاه افشار می داند».‏

او در ادامه می نويسد: « شکل کلی و مقبره ی نادر به شکل شش ضلعی متناسبی ست که، شکلِ سياه جادرهايی را تداعی می کند، دليل اين امر همين نکته است که نادر به جای کاخ در زير چادر زندگی می کرد».‏

[آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html) حکيم بوعلی سينا در همدان نيز، يکی از شاهکارهای هنر معماری معاصر است که با الهام از معماری قديم بنا شده است، که برداشتی از برج قابوس بن وشمگير در گنبد قابوس است، و هر يک از ستون های سنگی و مدور جلو [آرامگاه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%a2%d8%b1%d8%a7%d9%85%da%af%d8%a7%d9%87.html) بوعلی سينا، نشان دهنده گذشت يک قرن از تولد ابن سيناست.‏

هوشنگ سيحون، پيشرو و صاحب سبک در هنر معماری معاصر ايران است؛ و دومين مرحله شکوفايی و درخشش معماری ايران با آثار وی آغاز می شود.‏

او در سال 1347 طراحی و اجرای ساختمان موزه توس در مشهد را به کارنامه درخشان خود می افزايد؛ و اما اين همه فقط آثاری بود که جزء ميراث فرهنگی ايران محسوب می شود.‏

پدر معماری نوين ايران، ساختمان های متعددی را طراحی کرده که هنوز در نوع خود بی نظير است، از جمله می توان ساختمان بانک سپه در ميدان توپخانه تهران را با نمايی از بتون نام برد.‏

پروفسور هوشنگ سيحون در سال 1972 به همراه نقاشان صاحب نامی از جمله، پيکاسو و سالوادر دالی، در نمايشگاهی در دانشگاه ماساچوست شرکت کرد و با سبکی منحصر به فرد، کلافه های خط را به صورت تابلويی ‏زيبا در معرض نمايش گذارد که توجه منتقدين آمريکايی را به خود جلب کرد، سبکی که با مدد گرفتن از خطوطی ‏موازی و پر پيچ و تاب، که هيچ همديگر را قطع نمی کنند، انسان را در روزمره اش وادار به تفکر می کند؛ اينگونه ‏که هنوز کسی پيدا نشده است، مشابه طرح های نقاشی سيحون را خلق کند.‏

هوشنگ سيحون هنوز در ميان ماست، او يکی از عشاق هنر ايران است و به قول ِ خود او: « کلام آخر من ايران است».‏

اما چرا من و شمای ايرانی اين عاشقان هنر ايرانی و فرهيختگانی که در بين ما هستند را به درستی نمی شناسيم و نسبت به آنان بی اعتناييم؟‏

چرا جوامع فرهنگی ايرانی و باز هم تاکيد می کنم ايرانی، وجود اين فرهيختگان را کتمان می کنند؟ ‏

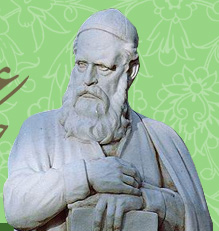
چرا هميشه قدرشناسی از هنرمندان ايرانی به عهده ی قدرشناسان غير ايرانی ست؟ - اهداء عنوان شهروندی افتخاری فرانسه و لوح افتخار شهرداری لوس آنجلس از جمله آن قدر شناسی های جوامع غير ايرانی ست؛ ازاين گذشته،‏دانشگاه هايی چون، ام آی تی ، هاروارد، واشنگتن يونيورسيتی و برکلی، مجموعه ای از نقاشی های سيحون را گردآوری و نگهداری می کنند؛ نام هوشنگ سيحون را در دو دانشنامه روسيه و کمبريج ثبت نموده اند،

اويی که ‏ذخاير فرهنگی دورافتاده ترين نقاط ايران را کشف و ثبت کرده و ارزش هنری شان را به خود ايرانی ها نشان داده است .‏

این بنای جادویی کار معمار زبر دستی به نام استاد هوشنگ سیحون است ایشان خود در باره این بنا می گویند :آرامگاه خیام در باغ امامزاده محروق نیشابور قرار داشت اولین کاری که باید انجام می دادم این بود که به گونه ای طراحی کنم که آرامگاه خیام وامامزاده محروق تداخل پیدا نکند به همین منظور من برای باغ محوری عرضی تعریف کردم تا آرامگاه را که در گوشه شمال شرقی باغ قرا داشت از امامزاده جدا کنم . از طرفی دیگر در چهار مقاله عروضی گفتاری از خیام آمده مبنی بر اینکه ایشان گفته اند که :من آرزو دارم مزارم در جایی باشد که در بهاران برگ گل روی مزارم بریزد ) بنا براین من مکانی در باغ را که اختلاف ارتفاع سه متری نسبت به درختان زرد آلوی باغ داشت انتخاب کردم چون این مکان سه متر پائین تر قرار دارد فصل بهار شکوفه های زرد آلو روی مزار میریزد .

برای خواندن این مقاله روی ادامه مطلب کلیک کنید :





خیام ریاضیدان منجم و ادیب بود سعی داشتم که این سه جنبه شخصیتی در مزارش تجلی پیدا کند من ده پایه برای آرامگاه در نظر گرفتم عدد ده ا.لین عدد دو رقمی است و پایه و اساسبسیار از اعداد می باشد از هر پاییه دو تیغه بر پایه مدل ریاضی خاصی به صورت مورب بالا می رود و با دیگر تیغه هابر خورد میکنند و از روبه رو بر روی پایه مقابلشان پائین می آید همه این تیغه های مورب در محور عمودی وسط برج همدیگر را قطع میکنند سطح پیچیده حاصله بر اثر یک فرمول ریاضی به وجود آمده که سنبله جنبه ریاضیان خیام است از طرف دیگر تقاطع تیغه ها در سقف آرامگاه یک ستاره به وجود می اورد که سنبول ستاره شناسی خیام محسوب می شود .



خیام سرانده رباعیات است من برای اولین بار در ایران از خط شکسته به صورت سیاه مشق استفاده کردم تا مجموعه ای اتزاعی را به وجود بیاورم انتخاب رباعیات نیز به وسله مرحوم استاد جلال همایی انجام شد رباعیاتی اتخاب شد که در اصل بودن آنها شکی وجود نداشته باشد ما بر روی هر کدام از پانل های لوزی دو رباعی به کار بردیم که مجمعا 20رباعی در کل مجموعه نوشته شد .

در کتیبه های لوزی شکل و کاشی کاری شده بنای یادبود خیام، بیست رباعی از خیام به خط تعلیق توسط مرتضی عبدالرسولی در ۱۳۳۹ ش نگاشته است.[۳][۴] که تحت نضارت مهندس سیحون انجام شده و نمونه‌ای منحصر به فرد از کاربرد خط تعلیق در کتیبه‌نگاری بناها به‌شمار می‌رود

يك بخشى از شهرت مهندس سيحون هم به نقاشى ها و به ويژه طراحى هاى او برمى گردد. نقاشى هايى كه به نوعى از مينياتور آغاز شده و در نهايت نيز بدان رسيده است. ماجراى اين « فرگشت » را من در نقدى بر آثار او آورده ام و اينجا مجال پرداختن به آن نيست. يكى از مهمترين رويدادها در زندگى هنرى مهندس سيحون كه دائم روى آن تأكيد مى شود، نمايشگاه هاى مشترك سيحون و پابلو پيكاسو غول هنر قرن بيستم است. در نخستين نمايشگاه مشترك اين دو هنرمند كه در سالهاى دهه پنجاه در تهران و در گالرى دولتى« مهرشاه » برگزار مى شود، تنها يك بشقاب سراميك خريدارى شده از آثار پيكاسو به نمايش درمى آيد و باقى آثار مربوط و متعلق به سيحون است. برگزارى چنين نمايشگاه به اصطلاح مشتركى و آن هم با چنين عنوانى شايد در تاريخ هنر جهان بى سابقه بوده باشد! داستان نمايشگاههاى مشترك سيحون وپيكاسو به همان نمايشگاه معروف ختم نمى شود و بار ديگر در ماساچوست آمريكا و اين بار با همراهى آثارى از سالوادور دالى برگزار مى شود. در اين نمايشگاه انگار برخى از منتقدان آمريكايى چنان كه مى گويند از كلاف هاى سردرگم سيحون و بافه هاى خط او استقبال مى كنند و از آنها به عنوان آثارى با ارزش و به ياد ماندنى ياد مى كنند.

مهندس هوشنگ سيحون بيش از دو دهه است كه در ونكوور (كانادا) زندگى مى كند و در آنجا به طراحى و نقاشى و تعليم هنر مشغول است و هر از گاهى بزرگداشتى از سوى برخى مجامع خصوصى و دولتى و دانشگاهى خارج از كشور براى او برگزار مى شود.

سیحون در طول سال‌های فعالیت خود عضو شورای ملی باستان‌شناسی، شورای عالی شهرسازی، شورای مرکزی تمام دانشگاه‌‌های ایران و [کمیته بین‌المللی ایکوموس](http://hamshahrionline.ir/details/148487) Icomos(وابسته به [یونسکو](http://www.hamshahrionline.ir/details/39981)) و به مدت ۱۵ سال مسئولیت مرمت بناهای تاریخی ایران را برعهده داشته است.

هوشنگ سیحون بیش از دو دهه است که در ونکوور کانادا زندگی می‌کند. وی شهروند افتخاری [فرانسه](http://www.hamshahrionline.ir/details/36796) نیز محسوب می‌شود.

او استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بوده و یک دوره ریاست این دانشکده را عهده‌دار بوده است.

هوشنگ سیحون نقاش و معمار پرسابقه ایرانی، به مرد بناهای ماندگار معروف است.

وی همچنین طراحی ساختمان‌های سازمان نقشه برداری کل کشور، کارخانه نخ‌ریسی کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدی، مجتمع آموزشی یاغچی‌آباد، سینما آسیا، سینما سانترال، کارخانه کانادادرای (زمزم فعلی ) در تهران و اهواز، کارخانه یخ سازی کورس اخوان و حدود ۱۵۰ پروژه مسکونی خصوصی را بر عهده داشته است.

سیحون نقش‌اندازی است که در دنیای ابعاد از معانی پر رمز و راز باطن سخن به میان می‌آورد و معانی و فلسفه نظری و وجودی بزرگانی که معمار و طراح آرامگاه هر یک از آنان بوده، در نقش مقبره‌شان متجلی کرده‌است.

به عنوان مثال در ۱۳۳۸ آرامگاه حکیم عمر‌خیام را مبتنی بر اصول ریاضی و مثلثاتی خیام، محاسبه و طراحی کرده‌است.

سیحون در کنار [معماری](http://www.hamshahrionline.ir/details/74471)، به [نقاشی](http://www.hamshahrionline.ir/details/145172) از مناظر و روستاهای ایران می‌پرداخت و نمایشگاه‌هایی از این آثار خود در ایران و در خارج از ایران برپا کرده‌است.

آثار وی در نمایشگاهی در دانشگاه ماساچوست در سال ۱۹۷۲ در کنار آثار هنرمندانی چون [پیکاسو](http://www.hamshahrionline.ir/details/137522) و سالوادور دالی به نمایش درآمد.

در این نمایشگاه تابلویی از "کلاف‌های خطی" به نمایش گذاشت که در آن از خطوط موازی و پر پیچ و تاب که هیچگاه همدیگر را قطع نمی‌کنند، استفاده کرده بود.

دانشگاه‌هایی مثل MZT، هاروارد، واشنگتن و برکلی مجموعه‌ای از نقاشی‌های او را گردآوری کرده و نگهداری می‌کنند.

همسر سابق وی [معصومه سیحون](http://www.hamshahrionline.ir/details/142533) نیز نقاش و صاحب گالری سیحون در تهران بود.

**هوشنگ سیحون**متعلق به سومین نسل معماران ایرانی است که تحصیلات خود را در اروپا انجام دادند . در همان سالهای 2507، هنگامیکه سیحون پس از پایان تحصیل در مدرسه بوزار پاریس به ایران آمده و شروع به کار کرد " سبک بین المللی " تا حد زیادی در میان معماران رواج یافته بود . در تهران به خصوص در محله های جدید شمال شهر بیش از پیش الگوهای این سبک بویژه در خانه سازی رعایت می شد .

اما دانشکده هنرهای زیبای تهران از همان ابتدای تاسیس روش آموزش بوزار پاریس را برگزید و سیحون نیز خود فارغ التحصیل همین دانشکده بود .

مدت یک ربع قرن ، آنچه که این معمار و معدود همکاران او در ایران ساختند و آموزش دادند ، سرمشق و نمونه کار نسل های بعدی معماران دانشگاه دیده ، حرفه ای های قدیمی و حتی بساز و بفروشها قرار گرفت . ازبناهای مجلل و تشریفاتی که دارای ارزش نمودگاری هستند تا ساختمانهای ساده کوچک در دورترین نقاط کشور هیچیک از این زبان معماری به دور نماندند.در دهه های بعد از جنگ جهانی دوم شیوه های معماری سنتی که عبارت بود از تکرار تعداد معدودی نمونه های اصلی معمارانه برای بناهای مختلف ، به خصوص در شهرهای بزرگ به کلی کنار گزارده شده بود .

احداث خیابانهای سراسری و شبکه جدولی شهری بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی اساسی کرده و قطعات مالکیت منظم و مستطیل شکل به وجود آورد .با این تغییرات ساختی در شکل شهر به دوران معماری درون گرا با حیاط مرکزی پایان داده شد و معماران به الگوی تک بناهای جدا از یکدیگر روی آوردند .بدینسان فضای تاریخی جای خود را به محیط جدیدی می داد که روحیه مدرنیزم (نوینگرایی ) در آن بیش از پیش دیده می شد .جهت اصلی معماری که در گذشته روی به سمت یک مرکز روحانی داشت جای خود را به معماری داد که به سمت تحول و آینده گرایش داشت . بخشهای مسکونی شبکه راسیونالیست شهری به وجود آوردند . و کاخهای دولتی و بناهای عمومی که نمودار تحکیم قدرت مرکزی و دولت بود بیشتر در فضاها و میادینی جای گرفتند که از ویژگیهای فضاهای شهری نئوکلاسیک بهره داشت . این دو جنبه معماری که یکی ضرورت ایجاد بناهای ساده و عملی بود و دیگری نیاز به نمایش ارزشها و مظاهر فرهنگی نظام زمانه ، زمینه مناسب خود را در دوگانگی آموزش بوزار در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یافت .

معرفی کار هوشنگ سیحون فرصتی است مناسب برای آنکه بتوان به جریان پیدایش و تحول معماری نوین در ایران و تاثیر مکاتب مختلف فرهنگی بر این معماری نگریست . بعد از جنگ جهانی دوم اروپا غرق در مسئله بحران مسکن بود .معماران در این فرصت روی به نظریه های فونکسیونالیستی که در سالهای بین دو جنگ تحول یافته بود آوردند و برای جبران خرابیهای حاصل از جنگ روی به امیدها و آرزوهای مدرنیزم آوردند . شهرها و محله ها به این ترتیب به سرعت ساخته می شد . ایران در آن هنگام آهسته آهسته گام در راه شهرنشینی متعادلی می گذاشت و به تدریج بناهای عمومی یعنی بناهای اداری ، خدمات عمومی گوناگون و بناهای تشریفاتی جای خود را در شهرها باز می کردند . مسکن جدید نیز از جانب گروهی اجتماعی محدود و روشنفکری ساخته می شد که در آن دوران آداب زندگی فرنگی را کم و بیش آموخته و میل بر ان داشت که تحول را از خانه خود آغاز نماید . در اروپا درست به عکس قدرت اقتصادی این گروه اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم رو به ضعف نهاده بود و الگوی ویلای وینی VIENNOISE سالهای بین دو جنگ جای خود را بیش از پیش به الگوی مسکن اجتماعی و یا به اصطلاح آپارتمان سازی می داد . چنانکه می دانیم الگوهای اخیر توانستند در سی سال بعد از جنگ سیمای شهرهای اروپایی و حومه ها را به کلی زیر و رو کنند .

در ایران و بخصوص در تهران نه تنها گروه نوخواسته روشنفکر و متمکن بلکه آن دسته از شهرنشینان سنتی نیز که با افکار جدید تماس حاصل کرده بودند ، متمایل به ترک مرکز مسکونی و تجارتی شهر ( بازار و محله های اطراف آن ) شدند و به تدریج خانه های خود را در شمال شهر در دامنه کوه البرز بنا نهادند . در اختیار داشتن قطعات بزرگ زمین و نبودن یک بافت شهری پیشین برای شکل دادن به این قطعات موجب شد که محله های جدید تهران نه به صورت یک استخوان بندی شهری بلکه پیرو الگوهایی شبیه به حومه شهرهای آمریکا شکل بگیرند .

در واقع باید پذیرفت که پس از بوجود آمدن محورهایی مانند سپه ، فردوسی و شاهرضا ، مکانهای شهری موفقی که قادر باشند مرکزیت و خصوصیات ویژه ای برای تهران تعریف کنند به وجود نیامد . مرکز شهر در محدوده ای که بین دو جنگ ایجاد شده بود باقی ماند و بخشهای مسکونی پراکنده در خارج آن شروع به شکل گرفتن کرد .درجریان این مهاجرت خطی به سمت دامنه البرز معمار تهرانی با مسئله تک خانه رو به رو بود ، تک خانه ای که هیچگونه گفتگوی معمارانه با یک بافت شهری موجود را در برابر خود نداشت .در حالیکه معماران فرنگ دیده نسل اول توانسته بودند تیپولوژی مسکن بسیار قوی شهری بوجود آورند و " سبک بین المللی " را با بافت جدولی تهران هماهنگ سازند ، معماری جدید سرچشمه الهام خود را د ر ویلای منفرد از نوع رایج حومه SUBURBIA در آمریکا یافت . اما در بناهای عمومی که ضرورتا " در نقاط مرکزی شهر باید ساخته می شد معماران از الگوهای فونکسیونالیست پیروی کردند . استفاده از تکنولوژی ساختمانی جدید ، ایجاد فضاهای چند مصرفی و کاربرد زبان معماری راسیونالیست ، تیپولوژی جدید را برای بناهای عمومی به وجود آورد که به تدریج جای بناهای عممی پیش از جنگ راکه دارای روحیه نئوکلاسیک بودند گرفت .

بناهای یادبود سومین گروه ساختمانهای این دوره بود و در حقیقت تنها فرصت کامل برای ابراز یک زبان صرف معمارانه . برای معمارانی که در مدرسه بوزار فرانسه آموزش دیده بودند کمتر این موفقیت پیش می آمد که بتوانند عظمت و ابهت زبان معاری را که در بوزار فرگرفته بودند درساختمانهای خود به کار گیرند . بناهای یادبود این فرصت را برای آنان فراهم آورد . اما باید به خاطر داشت که مونومانتالیزم بوزار با سبک آکادمیک پیش از جنگ که ملهم از جنبشهای معماری آلمانی سالهای اولیه قرن بیستم بود WERKBUND به کلی تفاوت داشت .

بوزار بعد از جنگ نیز به کلی با بوزار قرن نوزدهم که پیرو سبکی تاریخی گرا بود تفاوتهایی پیدا کرده بود . عطف به جوهر تاریخ جای خود را عطف به عناصر شکلی تاریخ گذشته داده بود و در نتیجه عطف به عناصر شکلی متعلق به دورانها و سبکهای متفاوت ، این برداشت آزاد و التقاطی از دورانهای گذشته اصطلاحا ECLECTISME نامیده می شود .از آنجا که دیگر نظم هندسی بیانگر معنی و محتوی نظم معماری دوره معینی نبود و در عوض به مفاهیم مجردی مانند تناسب ، تقارن و غیره تقلیل یافته بود ، لذا معمار نیز امکان یافته بود که فانتزی های هندسی خود را آزادانه به کار اندازد .

از سوی دیگر کتاب معروف لوکوربوزیه VERS UNE ARCHITECTURE تاثیر بسیاری در محافل معماری گذاشته بود و اهمیت تاریخ ، را به عنوان سرچشمه الهام زبان معماری به کلی ضعیف کرده بود . گرچه تاثیر این کتاب هرگز از درگاه بوزار به درون رخنه نکرد لیک در سست کردن پایه های تاریخ گرای بوزار نقش موثری را ایفاء کرد .

بدین ترتیب زبان مونومنتال جدیدی در معماری بنا های یادبود و آرامگاهها نسج گرفت . ترکیب "( کمپوزیسیون ) غیر مترقبه نقشه به جای تکرار الگوی تثبیت شده تاریخی ، به کار بردن نشا نه های خارجی معماری سنتی ایران و استفاده التقاطی از تکنولوژی های گوناگون ساختمانی خصوصیات اصلی معماری مونومنتال این دوره را تشکیل می دهند .

توجه اصلی معمار معطوف به ابداع شگردی ها و نوآوریها بود .مفهوم " فضا " در این معماری چندان جایی نداشت و در عوض " تاثیرها " EFFETS اهمیت بسیار یافتند . بدین ترتیب نما اهمیت خارق العاده یافت و مهمترین جنبه نمایشی بنا را به خود اختصاص داد .

می بینیم که در این سبک ، تاریخ روابط ماهوی میان شکل ها و حجم های جای خود ]را[ به تاریخ موتیف ها MOTIFS داده است و معمار تمام کوشش خود را در راه ضبط و ترکیب موتیف های معماری های دوران گذشته به میل و ابتکارشخصی خود به کار برده است .

بدین ترتیب ملاحظه می شود که در دوران خاصی بحرانی که معمار بوزار ناگزیر از تسلیم به نیازهای فوری و حیاطی جامعه و ساده کردن زبان هنری خود است بنای یادبود موضوع استثنایی و جالبی را تشکیل می دهد که معمار بتواند در آن به طریق اولی قوانین بازی خود را به کار اندازد ، قوانینی که در غیر این صورت اعتبار تاریخی خود را از دست داده بودند .

معماری هوشنگ سیحون نیز از بیشتر این خصوصیات برخوردار است . ویلا ها ، بناهای عمومی شهری و بناهای یادبود سه فرصت جداگانه را برای کاربرد سه زبان مختلف برای او به وجود آوردند .

ویژگی کار این معمار را باید در نحوه استفاده از مصالح دید . او نخستین معمار ایرانی بود که آهن و سیمان را به طور عیان در ساختمان به کار برد . وضوح ساخت و شهامت در بیان بی پرده آن که با بانک سپه و اداره پست آغاز شد در خانه ها نیز شکل خاص خود را یافت .کار سیحون از خانه دکتر بابک که از سبک بین المللی بی تاثیر نیست تا منزل خودش در دروس راه مشخصی را طی کرده است .وضوح ساخت ، یافتن حساسیت و سلیقه شخصی نسبت به ترکیب سنگ و آهن را باید در حقیقت موفق ترین بیان او از لحاظ مصالح دانست . سیحون در تحول بعدی خود و به سبب نگاهی که همواره به معماری ایران داشت ارزشهای دیگری را درکار خود گسترش داد .از آن جمله است استفاده از شکلها و عناصر معماری عامیانه ، استفاده از آجر نه تنها در پوشش بلکه هم چنین به منظورهای نمایشی و تزئینی و توجه به برخی جزئیات . باید معتقد بود که با وجود همه برداشتهای التقاطی و تنوع جویی ها ، کار سیحون همواره از نوع خلوص در کاربرد ماده ، برخوردار بوده است . خانه شمشک حد تکامل او درترکیب سنگ و چوب است . همچنانکه ساخت آجری خالص مجموعه آموزشی فرح نمودار پختگی سیحون در رسیدن به یک نوع کمال و حرفه در زبان آجر است .

در نگاه دقیقتربه تصویر برخی آثار او این جنبه ها از نزدیک ملاحظه می شوند .

هر که از اصل و ریشه خود دور ماند,لاجرم بی هویتی پیشه کند.و غرق در حقارت محتوم رو به اغیار سپارد و قبله آمال خویش از دیگران جوید.از خویش و تاریخ خود بیگانه ایم,در تردید و شک و دو دلی به هر سو دوان, و چاره را نه از درون خود بلکه از برون می جوییم, و در وادی حیرت سرگردانیم.و تا به خویشتن خویش نپیوندیم, حال و روزمان این است.!

آیا تا کنون ترانه ای زیبا و گوشنوازی را که مطلوب ماست,جز از خواننده , سایر عوامل پدید آورنده آن اثر هنری را شناخته و یا می شناسیم؟و چرا چنین است. دیگران چه نقشی در تکوین و ساخت آن ترانه داشته اند؟ ترانه سرا, آهنگ ساز و دیگران! از شرایط تاریخی و علت و علل موجد یک واقعه هنری آگاه و با خبر نیستیم.چرا؟



بعنوان مثال از سازنده و معمار بناهای تاریخی شهرمان حتی بی خبریم! آرامگاه با ابهت و بر شگوه و استوار و زیبای شهرمان ,آری بوعلی سینا چه میزان اطلاع داریم؟ طراح و معمار آن کیست؟ بیاد دارم حتی در سالهای دور مشخصات مهندس و معمار این اثر بسیار زیبا در قسمتی نامناسب و مهجور نصب شده بود که به سختی به نظر میرسید, و گویا تعمدی در کار بود. و ما  گر چه با گرفتن دهها عکس یادبود و یادگاری از این پناهای با شگوه هرگز از خود و مسئوولین آنها نپرسیده ایم؟مهندس و طراح این بنا و نما کیست و از کجاست؟



مهندس هوشنگ سیحون طراح و معماری که شایستگی علمی و فنی خویش را با شرکت  در مسابقه‌ای که «انجمن آثار ملی» آن زمان به مناسبت بزرگداشت هزاره بوعلی سینا، از سوی یونسکو برپا می‌کند، با کسب  عنوان برتر ,جایزه اول را بدست می‌آورد. جایزه‌ای که ساختن آرامگاه بوعلی سینا بود و ساختمانی که در بیست و هشت سالگی او آغاز و در سی سالگی‌اش به پایان می‌رسد. این بنا برداشتی از برج «قابوس‌بن وشمگیر» در گنبد قابوس است و هر یک از ستون‌های سنگی و مدور جلوی آرامگاه این حکیم و دانشمند ایرانی، نشان دهندۀ گذشت یک قرن از زندگی اوست.  
مهندس «هوشنگ سیحون» را مرد بناهای ماندگار گفته‌اند. شاید اینطور به نظر برسد که تخصص او در طراحی و ساختن بناهای یادبود بر مزار بزرگان تاریخ و ادب و هنر است. ولی در کارنامۀ فعالیت‌های او به عنوان مهندس طراح، ساختمان «بانک سپه» در میدان توپخانۀ تهران را هم داریم. ساختمانی که در سال احداث آن کاری مدرن محسوب می‌شد و در شکل ظاهری خود، که از بتون است، حس و دریافتی از استحکام و اطمینان و پابرجایی را در بیننده به وجود می‌آورد.

معرفی استعدادهای هنری ایران داشت.[[۳]](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B9%D8%B5%D9%88%D9%85%D9%87_%D8%B3%DB%8C%D8%AD%D9%88%D9%86#cite_note-bbcp-2) [سازمان میراث فرهنگی و گردشگری](http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86_%D9%85%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AB_%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF%DB%8C_%D9%88_%DA%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B4%DA%AF%D8%B1%DB%8C) و [انجمن نقاشان ایران](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%85%D9%86_%D9%86%D9%82%D8%A7%D8%B4%D8%A7%D9%86_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88:%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF+%DB%8C%DA%A9+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D9%86%D9%88+%D8%A7%D8%B2+%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82+%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA+%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86+%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87+%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) به ترتیب در سال‌های [۱۳۸۳](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B3%DB%B8%DB%B3) و [۱۳۸۸](http://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B3%DB%B8%DB%B8) از وی به پاس یک عمر فعالیت بی‌وقفه هنری تقدیر کردند.

یک چند به کودکی به استاد شدیم  
 یک چند ز استادی خود شاد شدیم  
 پایان سخن شنو که ما را چه رسید چون آب برآمدیم و چون باد شدیم

زمین با همۀ آنچه که در خود و بر روی خود دارد، در ضمن می‌تواند بوم سادۀ نقاشی کسی مثل مهندس «هوشنگ سیحون» هم باشد. وسعتی که در گسترۀ جغرافیایی ایران آن، قلم توانا و ذوق طراحی او نقش هایی به یاد ماندنی و ماندگار به جا گذاشته. در اینجا و در ادامۀمعرفی مهندس «سیحون»، به چند اثر هنری تاریخی دیگر که ساخته و برآمده از ذوق و همت اوست می‌پردازیم.

  
  
«هوشنگ سیحون» پیشرو، و صاحب سبک در هنر معماری معاصر ایران است. دومین مرحلۀ شکوفایی و درخشش معماری ایران با او آغاز می‌شود. جدا از آثاری چون بنای آرامگاه مشاهیری چون «عمرخیام» در نیشابور و «ابوعلی سینا» در همدان، و ساختمان موزه‌های «توس» و «نادرشاه افشار» در مشهد، ساختمان «مجلس سنا» در تهران (مجلس شورای اسلامی کنونی) طرح و احداث بناهای آرامگاه «کلنل محمدتقی‌خان پسیان» سردار آزادۀ خراسانی، و مقبره زیبای «کمال الملک» نقاش معروف و چیره‌دست ایرانی در نیشابور نیز از اوست.  
  
اشاره و پرداختن به تمام آثار مشهور و معروف او که با خشت و خاک و آجر و سیمان، تاریخ را می‌سازد و هویت می‌بخشد البته در حوصله این مقال نمی‌گنجد. آنچه که اما از کارهای ارزنده ی او نسبت به دیگر آثارش برای کاتب این روایت جلوه گرتر است و جای خاصی دارد، نجات و احیای مقبرۀ «عارف قزوینی» در همدان است.

  
  
او در نامه‌ای که به فصلنامۀ «ره آورد» که به سردبیری ومدیریت «حسن شهباز» در آمریکا چاپ و منتشر می‌شود، در جهت آگاهی خوانندگان آن نشریه نسبت به مطلبی که در آن نوشته شده بود: «مزار عارف درهم ریخت و علامت سنگ او از میان رفت و اهالی همدان در جستجوی آن بودند تا اثری بیابند و معلوم نشد که چه شد!» می‌نویسد:

  
   
 «متاسفانه این مطلب کمی دور از واقعیت است. بنده به مناسبت اینکه مهندس طراح و موجد تجدید بنای آرامگاه بوعلی در همدان هستم که در چهل سال پیش انجام شده است، باید به عرض برسانم که گرچه در آن موقع بعضی از مسئولین امر که از بردن نامشان خودداری می‌کنم موافق نبودند در تجدید بنای اصلی، اثری از مزار «عارف» باقی بماند که علتش بر من مجهول است، ولی اینجانب با تتبع شخصی و مسوولیت مستقیم ترتیب جابجایی مزار شاعر بزرگ را دادم، و گرچه جایش باید موقت باشد، دستور سنگ مناسبی دادم که اینک در محل خود پابرجا است. و بنا به کارنامۀ آثار ملی، تالیف دکتر «حسینبحرالعلومی»، در حیاط شرقی آرامگاه روبروی در ورودی و مقابل خیابان بوعلی، قبر شاعرملی ایران «ابوالقاسم عارف قزوینی» قرار دارد و بر روی سکویی مربع که هر ضلع آن حدودیک متر است، سنگ مرمری است که با خط نستعلیق زیبا بر آن نقر شده:  
  
 عمرم گهی به هجر و گهی در سفر گذشت   
 تاریخ زندگی، همه در دردسر گذشت







مطالب :برگرفته از منابع اینترنت.

[**هوشنگ سیحون**](http://abbas-valadi.persianblog.ir/post/12/)نویسنده: ولدی - دوشنبه ۱۳۸۸/۱٠/٧ 

.

دانش معمارى خود مى پردازد و در سال ۱۹۴۹ به درجه دکتراى هنر مى رسد.

مهندس سیحون بعداز طراحى و اجراى آرامگاه بوعلى سینا (همدان ) پروژه هاى زیادى را طراحى و اجرا مى کند که از جمله آنها مى توان به مقبره عمرخیام (نیشابور)، مقبره کمال الملک (نیشابور)، مقبره و موزه نادرشاه افشار (مشهد)، مجلس شوراى ملى ، موزه توس (مقبره فردوسى )، کارخانه نخ ریسى کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدى ، سازمان نقشه بردارى کل کشور ، بانک سپه (توپخانه )، مجتمع آموزشى یاغچى آباد ، سینما آسیا، سینما سانترال ، کارخانه کانادادراى (زمزم فعلى ) در تهران و اهواز ، کارخانه یخ سازى کورس اخوان و حدود ۱۵۰ خانه و ویلاى خصوصى براى شخصیت هاى مشهور آن زمان اشاره کرد که تقریباً همه به اقتضاى کانسپتى که داشته اند از مصالح ساده و مقاوم محلى تشکیل شده اند و آموزه هاى کلاسیک بوزار پاریس در آنها پیاده شده است.

سیحون همچنین در طول آن سالها عضو شوراى ملى باستان شناسى ، شوراى عالى شهرسازى، شوراى مرکزى تمام دانشگاههاى ایران و کمیته بین المللى« ایکوموس» (Icomos) بوده و به مدت ۱۵ سال مسؤولیت مرمت تمام بناهاى تاریخى ایران را برعهده داشته است.

از دیگر مسؤولیت هاى مهم این معمار و مهندس ایرانى، یکى هم ریاست دانشکده هنرهاى زیباى دانشگاه تهران در یک دوره و سالها تدریس معمارى دراین دانشکده بوده است که در آن دوره شاگردان به نسبت موفقى تربیت مى شود.

مهندس هوشنگ سیحون بیش از دو دهه است که در ونکوور (کانادا) زندگى مى کند و در آنجا به طراحى و نقاشى و تعلیم هنر مشغول است و هر از گاهى بزرگداشتى از سوى برخى مجامع خصوصى و دولتى و دانشگاهى خارج از کشور براى او برگزار مى شود.

ا

دانش آموخته دانشکده هنرهاى زیباى پاریس (بوزار) درمعمارى

عضو انجمن شوراى ملى باستان شناسى، شوراى عالى شهرسازى، شوراى مرکزى تمام دانشگاههاى ایران و کمیته بین المللى «ایکوموس» (وابسته به یونسکو) پیش ازانقلاب

چاپ ۳ کتاب «معمارى سیحون» ، «نگاهى به ایران (نقاشى هاى سیاه قلم) و (نیم قرن آثار معمارى ونقاشى سیحون)»

برگزارى نمایشگاهى مشترک با« پابلوپیکاسو » و « سالوادور دالى» در

«ماساچوست» آمریکا ۱۹۷۲

شهروند افتخارى فرانسه

تهیه فیلمى درباره آرامگاه بوعلى سینا به کارگردانى امیرشمخانى

داراى نمایشگاه دائمى در کلکسیون دانشگاههاى هاروارد، ام آى تى، دانشگاه واشنگتن و برکلى

طراح و اجراى تعدادى از مهم ترین بناهاى یادبودى و صنعتى و شخصى درایران مانند آرامگاه بوعلى سینا (همدان)، مقبره عمرخیام نیشابور، مقبره و موزه نادرشاه (مشهد)، مقبره کمال الملک، بانک سپه تهران و…

دوره اى را که سیحون درآن به آفرینش بناهاى یادبودى و یادواره اى مى پردازد، مهندس« نادر اردلان »در دانشنامه ایرانیکا، دوران « پیدایش نمادهایى از یک هویت ملى روزافزون» مى نامد و بناهاى خلق شده درآن را که« تصاویر گذشته اى افتخارآمیز مانند آرامگاههاى نوبنیاد یا بازسازى شده دانشمندان، شاعران و قهرمانان ملى » و… به شمار مى آمدند « اغلب کوچک و با طرح هایى هنرمندانه »و اجراهایى خوب برمى شمارد که « گواه تحصیلات طراحان ایرانى در پاریس قبل ازجنگ » جهانى دوم به حساب مى آید.

نخستین اثرى که مهندس سیحون ازخود به جا گذاشته ، آرامگاه بوعلى سیناى همدان است که طرح آن در ۲۵سالگى و هنگام تحصیل در دانشکده هنرهاى زیباى پاریس (بوزار) ارائه مى دهد و درمسابقه اى که « انجمن آثار ملى» آن زمان به مناسبت بزرگداشت هزاره بوعلى سینا از سوى یونسکو برپا مى کند، جایزه اول را به دست مى آورد. جایزه اى که ساختن مقبره بوعلى سینا بود و ساختمانى که در ۲۸ سالگى او آغاز و در سى سالگى اش به پایان رسید. وقتى سال گذشته و در یک گفت وگوى اختصاصى از مهندس سیحون پرسیدم که :  « چطور آن همه عبارت پراکنده ونمادها ونمودهاى تاریخى هم روزگار را دریک ساختار پلى فونیک گنجاندید، که در نهایت از آن یک صداى ارکسترال و هماهنگ به چشم و گوش بیننده برسد؟ » اوپاسخ داد: « آرامگاه بوعلى تنها یک آرامگاه یا مقبره نیست، بلکه آرامگاه یا مقبره جزئى ازکل است که یادبود بوعلى است. من خواسته ام با عوامل و عناصر معمارى چه از نظر شکلى وچه از نظر عددى ، از راه نماد و سمبل، شخصیت بوعلى را بیان کنم. و این موضوع در ایران یا سایر جاها معمول نبوده است. شکى نیست که براى هماهنگ کردن این عناصر ممارست و پیگیرى ومطالعه فراوان لازم است که در موقع خود سعى کرده ام کوتاهى نکنم. پس با یک نوع دانش فراگیر در ترکیب و تلفیق این عناصر کوشش خود را به کار برده ام تا چیزى به دست بیاید که در برابر دید شما است. این را هم بگویم که در تمام کارهایم جزئیات ، هر قدر بى اهمیت ،از ذهن من دور نبوده و به فراموشى سپرده نشده است ».

هوشنگ سیحون متعلق به سومین نسل معماران ایرانی است که تحصیلات خود را در اروپا انجام دادند . در همان سالهای ۲۵۰۷، هنگامیکه سیحون پس از پایان تحصیل در مدرسه بوزار پاریس به ایران آمده و شروع به کار کرد ” سبک بین المللی ” تا حد زیادی در میان معماران رواج یافته بود . در تهران به خصوص در محله های جدید شمال شهر بیش از پیش الگوهای این سبک بویژه در خانه سازی رعایت می شد .

اما دانشکده هنرهای زیبای تهران از همان ابتدای تاسیس روش آموزش بوزار پاریس را برگزید و سیحون نیز خود فارغ التحصیل همین دانشکده بود .

مدت یک ربع قرن ، آنچه که این معمار و معدود همکاران او در ایران ساختند و آموزش دادند ، سرمشق و نمونه کار نسل های بعدی معماران دانشگاه دیده ، حرفه ای های قدیمی و حتی بساز و بفروشها قرار گرفت . ازبناهای مجلل و تشریفاتی که دارای ارزش نمودگاری هستند تا ساختمانهای ساده کوچک در دورترین نقاط کشور هیچیک از این زبان معماری به دور نماندند.در دهه های بعد از جنگ جهانی دوم شیوه های معماری سنتی که عبارت بود از تکرار تعداد معدودی نمونه های اصلی معمارانه برای بناهای مختلف ، به خصوص در شهرهای بزرگ به کلی کنار گزارده شده بود .

احداث خیابانهای سراسری و شبکه جدولی شهری بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی اساسی کرده و قطعات مالکیت منظم و مستطیل شکل به وجود آورد .با این تغییرات ساختی در شکل شهر به دوران معماری درون گرا با حیاط مرکزی پایان داده شد و معماران به الگوی تک بناهای جدا از یکدیگر روی آوردند .بدینسان فضای تاریخی جای خود را به محیط جدیدی می داد که روحیه مدرنیزم (نوینگرایی ) در آن بیش از پیش دیده می شد .جهت اصلی معماری که در گذشته روی به سمت یک مرکز روحانی داشت جای خود را به معماری داد که به سمت تحول و آینده گرایش داشت . بخشهای مسکونی شبکه راسیونالیست شهری به وجود آوردند . و کاخهای دولتی و بناهای عمومی که نمودار تحکیم قدرت مرکزی و دولت بود بیشتر در فضاها و میادینی جای گرفتند که از ویژگیهای فضاهای شهری نئوکلاسیک بهره داشت . این دو جنبه معماری که یکی ضرورت ایجاد بناهای ساده و عملی بود و دیگری نیاز به نمایش ارزشها و مظاهر فرهنگی نظام زمانه ، زمینه مناسب خود را در دوگانگی آموزش بوزار در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یافت .

معرفی کار هوشنگ سیحون فرصتی است مناسب برای آنکه بتوان به جریان پیدایش و تحول معماری نوین در ایران و تاثیر مکاتب مختلف فرهنگی بر این معماری نگریست . بعد از جنگ جهانی دوم اروپا غرق در مسئله بحران مسکن بود .معماران در این فرصت روی به نظریه های فونکسیونالیستی که در سالهای بین دو جنگ تحول یافته بود آوردند و برای جبران خرابیهای حاصل از جنگ روی به امیدها و آرزوهای مدرنیزم آوردند . شهرها و محله ها به این ترتیب به سرعت ساخته می شد . ایران در آن هنگام آهسته آهسته گام در راه شهرنشینی متعادلی می گذاشت و به تدریج بناهای عمومی یعنی بناهای اداری ، خدمات عمومی گوناگون و بناهای تشریفاتی جای خود را در شهرها باز می کردند . مسکن جدید نیز از جانب گروهی اجتماعی محدود و روشنفکری ساخته می شد که در آن دوران آداب زندگی فرنگی را کم و بیش آموخته و میل بر ان داشت که تحول را از خانه خود آغاز نماید . در اروپا درست به عکس قدرت اقتصادی این گروه اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم رو به ضعف نهاده بود و الگوی ویلای وینی VIENNOISE سالهای بین دو جنگ جای خود را بیش از پیش به الگوی مسکن اجتماعی و یا به اصطلاح آپارتمان سازی می داد . چنانکه می دانیم الگوهای اخیر توانستند در سی سال بعد از جنگ سیمای شهرهای اروپایی و حومه ها را به کلی زیر و رو کنند .

در ایران و بخصوص در تهران نه تنها گروه نوخواسته روشنفکر و متمکن بلکه آن دسته از شهرنشینان سنتی نیز که با افکار جدید تماس حاصل کرده بودند ، متمایل به ترک مرکز مسکونی و تجارتی شهر ( بازار و محله های اطراف آن ) شدند و به تدریج خانه های خود را در شمال شهر در دامنه کوه البرز بنا نهادند . در اختیار داشتن قطعات بزرگ زمین و نبودن یک بافت شهری پیشین برای شکل دادن به این قطعات موجب شد که محله های جدید تهران نه به صورت یک استخوان بندی شهری بلکه پیرو الگوهایی شبیه به حومه شهرهای آمریکا شکل بگیرند .

در واقع باید پذیرفت که پس از بوجود آمدن محورهایی مانند سپه ، فردوسی و شاهرضا ، مکانهای شهری موفقی که قادر باشند مرکزیت و خصوصیات ویژه ای برای تهران تعریف کنند به وجود نیامد . مرکز شهر در محدوده ای که بین دو جنگ ایجاد شده بود باقی ماند و بخشهای مسکونی پراکنده در خارج آن شروع به شکل گرفتن کرد .درجریان این مهاجرت خطی به سمت دامنه البرز معمار تهرانی با مسئله تک خانه رو به رو بود ، تک خانه ای که هیچگونه گفتگوی معمارانه با یک بافت شهری موجود را در برابر خود نداشت .در حالیکه معماران فرنگ دیده نسل اول توانسته بودند تیپولوژی مسکن بسیار قوی شهری بوجود آورند و ” سبک بین المللی ” را با بافت جدولی تهران هماهنگ سازند ، معماری جدید سرچشمه الهام خود را د ر ویلای منفرد از نوع رایج حومه SUBURBIA در آمریکا یافت . اما در بناهای عمومی که ضرورتا ” در نقاط مرکزی شهر باید ساخته می شد معماران از الگوهای فونکسیونالیست پیروی کردند . استفاده از تکنولوژی ساختمانی جدید ، ایجاد فضاهای چند مصرفی و کاربرد زبان معماری راسیونالیست ، تیپولوژی جدید را برای بناهای عمومی به وجود آورد که به تدریج جای بناهای عممی پیش از جنگ راکه دارای روحیه نئوکلاسیک بودند گرفت .

بناهای یادبود سومین گروه ساختمانهای این دوره بود و در حقیقت تنها فرصت کامل برای ابراز یک زبان صرف معمارانه . برای معمارانی که در مدرسه بوزار فرانسه آموزش دیده بودند کمتر این موفقیت پیش می آمد که بتوانند عظمت و ابهت زبان معاری را که در بوزار فرگرفته بودند درساختمانهای خود به کار گیرند . بناهای یادبود این فرصت را برای آنان فراهم آورد . اما باید به خاطر داشت که مونومانتالیزم بوزار با سبک آکادمیک پیش از جنگ که ملهم از جنبشهای معماری آلمانی سالهای اولیه قرن بیستم بود WERKBUND به کلی تفاوت داشت .

بوزار بعد از جنگ نیز به کلی با بوزار قرن نوزدهم که پیرو سبکی تاریخی گرا بود تفاوتهایی پیدا کرده بود . عطف به جوهر تاریخ جای خود را عطف به عناصر شکلی تاریخ گذشته داده بود و در نتیجه عطف به عناصر شکلی متعلق به دورانها و سبکهای متفاوت ، این برداشت آزاد و التقاطی از دورانهای گذشته اصطلاحا ECLECTISME نامیده می شود .از آنجا که دیگر نظم هندسی بیانگر معنی و محتوی نظم معماری دوره معینی نبود و در عوض به مفاهیم مجردی مانند تناسب ، تقارن و غیره تقلیل یافته بود ، لذا معمار نیز امکان یافته بود که فانتزی های هندسی خود را آزادانه به کار اندازد .

از سوی دیگر کتاب معروف لوکوربوزیه VERS UNE ARCHITECTURE تاثیر بسیاری در محافل معماری گذاشته بود و اهمیت تاریخ ، را به عنوان سرچشمه الهام زبان معماری به کلی ضعیف کرده بود . گرچه تاثیر این کتاب هرگز از درگاه بوزار به درون رخنه نکرد لیک در سست کردن پایه های تاریخ گرای بوزار نقش موثری را ایفاء کرد .

بدین ترتیب زبان مونومنتال جدیدی در معماری بنا های یادبود و آرامگاهها نسج گرفت . ترکیب “( کمپوزیسیون ) غیر مترقبه نقشه به جای تکرار الگوی تثبیت شده تاریخی ، به کار بردن نشا نه های خارجی معماری سنتی ایران و استفاده التقاطی از تکنولوژی های گوناگون ساختمانی خصوصیات اصلی معماری مونومنتال این دوره را تشکیل می دهند .

توجه اصلی معمار معطوف به ابداع شگردی ها و نوآوریها بود .مفهوم ” فضا ” در این معماری چندان جایی نداشت و در عوض ” تاثیرها ” EFFETS اهمیت بسیار یافتند . بدین ترتیب نما اهمیت خارق العاده یافت و مهمترین جنبه نمایشی بنا را به خود اختصاص داد .

می بینیم که در این سبک ، تاریخ روابط ماهوی میان شکل ها و حجم های جای خود ]را[ به تاریخ موتیف ها MOTIFS داده است و معمار تمام کوشش خود را در راه ضبط و ترکیب موتیف های معماری های دوران گذشته به میل و ابتکارشخصی خود به کار برده است .

بدین ترتیب ملاحظه می شود که در دوران خاصی بحرانی که معمار بوزار ناگزیر از تسلیم به نیازهای فوری و حیاطی جامعه و ساده کردن زبان هنری خود است بنای یادبود موضوع استثنایی و جالبی را تشکیل می دهد که معمار بتواند در آن به طریق اولی قوانین بازی خود را به کار اندازد ، قوانینی که در غیر این صورت اعتبار تاریخی خود را از دست داده بودند .

معماری هوشنگ سیحون نیز از بیشتر این خصوصیات برخوردار است . ویلا ها ، بناهای عمومی شهری و بناهای یادبود سه فرصت جداگانه را برای کاربرد سه زبان مختلف برای او به وجود آوردند .

ویژگی کار این معمار را باید در نحوه استفاده از مصالح دید . او نخستین معمار ایرانی بود که آهن و سیمان را به طور عیان در ساختمان به کار برد . وضوح ساخت و شهامت در بیان بی پرده آن که با بانک سپه و اداره پست آغاز شد در خانه ها نیز شکل خاص خود را یافت .کار سیحون از خانه دکتر بابک که از سبک بین المللی بی تاثیر نیست تا منزل خودش در دروس راه مشخصی را طی کرده است .وضوح ساخت ، یافتن حساسیت و سلیقه شخصی نسبت به ترکیب سنگ و آهن را باید در حقیقت موفق ترین بیان او از لحاظ مصالح دانست . سیحون در تحول بعدی خود و به سبب نگاهی که همواره به معماری ایران داشت ارزشهای دیگری را درکار خود گسترش داد .از آن جمله است استفاده از شکلها و عناصر معماری عامیانه ، استفاده از آجر نه تنها در پوشش بلکه هم چنین به منظورهای نمایشی و تزئینی و توجه به برخی جزئیات . باید معتقد بود که با وجود همه برداشتهای التقاطی و تنوع جویی ها ، کار سیحون همواره از نوع خلوص در کاربرد ماده ، برخوردار بوده است . خانه شمشک حد تکامل او درترکیب سنگ و چوب است . همچنانکه ساخت آجری خالص مجموعه آموزشی فرح نمودار پختگی سیحون در رسیدن به یک نوع کمال و حرفه در زبان آجر است .

خلاصه زندگی نامه

متولد ۲۴۷۹ ( ۱۲۹۹) در تهران

تا سال ۲۴۹۹ (۱۳۱۹) مشغول تحصیل در دبستان و دبیرستان بوده است ( در تهران ) .

در سال ۲۴۹۹ دیپلمه متوسطه گرفته است .

از سال ۲۴۹۹ تا  ۲۵۰۳ (۱۳۲۳)  موفق به اخذ پایان نامه مهندسی در رشته معمار ی شد . بین سالهای ۲۵۰۴(۱۳۲۴)  و  ۲۵۰۸ (۱۳۲۸) در پاریس در دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری ادامه تحصیل داده و در همین سال به دریافت دیپلم معماری از دانشکده فوق موفق شده است .

بلافاصله به ایران مراجعه نموده و با سمت دانشیار در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و مسئول یک کارگاه معماری مشغول تدریس شده است و ۵ سال بعد به مقام استادی ارتقاع یافته است در سال ۲۵۲۱(۱۳۴۱) به مقام ریاست دانشکده هنرهای زیبا انتخاب و مشغول انجام وظیفه شده است . بنیانگذاری رشته شهرسازی و رشته های موسیقی و تئاتر در دانشکده هنرهای زیبا و همچنین به وجود آوردن دفتر فنی دانشکده از اقدامات سالهای ۲۷-۲۵۲۱ (۴۷-۱۳۴۱) او است .در سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷) از سمت ریاست دانشکده و استادی دانشگاه هر دو استعفاء داد .در این سال در اولین انتخابات انجمن شهر تهران به عضویت انجمن شهر تهران در آمد و به عنوان رئیس کمیسیون شهرسازی در انجمن مشغول انجام وظیفه شد و در اواخر دوره چهارساله انجمن از سمت خود استعفاء  داد و در دفتر شخصی خود مشغول ادامه کار شد . این دفتر از سال ۲۵۰۸ ( ۱۳۲۸) تاسیس شده است که تا هم اکنون به فعالیت خود ادامه میدهد و تمام آثار معماری مهندسی سیحون از همین دفتر طرح ریزی شده است .

وی چند دوره پیاپی نیز به عنوان عضو و نایب رئیس و رئیس انجمن انتخاب شده است در شورهای متعددی از جمله شورای دانشگاه تهران ، شورای مرکزی دانشگاهها ، شورای عالی شهرسازی ، شورای عالی آثار باستانی و ابنیه تاریخی ، شورای عالی ارزشیابی ( وزارت علوم ) ، شورای ایکوموس و نیز در کمیسیون ها و کمیته های متعدد شرکت داشته است . عضو هیات امنای مدرسه عالی ساختمان و موسسات آموزشی فرح بوده و میباشد . فعالیتهای مفصلی در امر معماری کشور داشته است که به ترتیب زمانی شرح داده شده است .

او در سمینارها و سخنرانیهای متعدد در نقاط مختلف ایران شرکت داشته است در شهرهای پاریس ، آکسفورد ، شیکاگو ، لوس آنجلس ، روم ، پالرم ، صوفیه ، آتن ، مسکو و دهلی نو در باب هنر و معماری سخنرانی نموده است .

با اخذ نشانهای درجه ۳ همایون درجه ۱ آبادانی نشان هنر و نشان سپاس مفتخر شده است . در نقاط مختلف جهان آثار نقاشی او به نمایش گذاشته شده است .

از جمله در تهران چند بار به صورت انفرادی و جمعی ، در آمریکا در دانشگاه سانتا باربارا به صورت انفرادی در دانشگاه ماساچوست به اتفاق پیکاسو وسالوادور دالی و در پاریس به صورت انفرادی کارهای نقاشی او هم اکنون در کلکسیون های شخصی علیاحضرت شهبانوی ایران و جمعی از هنر دوستان ایرانی و در فرانسه و در آمریکا در بعضی کلکسیونهای شخصی و در چهار دانشگاه مهم آمریکا در کلکسیون دانشکده مربوطه نگهداری می شود : دانشکده هاروارد ، دانشکده ام آی تی ، واشینگتن یونیور سیتی و برکلی .

در اغلب روزنامه های داخلی و خارجی مقالات و عقاید او در باب معماری و هنر به چاپ رسیده است و در مورد کارهایش بحث شده است .

کتابی تحت عنوان نگاهی به ایران در پاریس مشتمل بر یک قسمت از طرحهای سیحون چاپ شده ( ۱۹۷۳)

مهندس هوشنگ سیحون در سال ۱۲۹۹ و در خانواده اى اهل موسیقى به دنیا مى آید.

پدر بزرگ او « میرزا عبدالله » بنیانگذار موسیقى سنتى و معروف به پدر موسیقى سنتى ایران بوده است و مادرش (مولود خانم) از نوازندگان تار و سه تار و معلم زنده یاد « احد عبادى »که دایى سیحون به حساب مى آید. او بعد از راهیابى به دانشکده هنرهاى زیباى دانشگاه تهران استعداد خود را از نقاشى به معمارى توسعه مى دهد و به دعوت « آندره گدار» (رئیس اداره باستان شناسى وقت ایران) براى ادامه تحصیل راهى پاریس و دانشکده هنرهاى زیباى پاریس (بوزار) مى شود و حدود ۳ سال تحت تعلیم « اوتلو زاوارونى » به تکمیل دانش معمارى خود مى پردازد و در سال ۱۹۴۹ به درجه دکتراى هنر مى رسد.

مهندس سیحون بعداز طراحى و اجراى آرامگاه بوعلى سینا (همدان ) پروژه هاى زیادى را طراحى و اجرا مى کند که از جمله آنها مى توان به مقبره عمرخیام (نیشابور)، مقبره کمال الملک (نیشابور)، مقبره و موزه نادرشاه افشار (مشهد)، مجلس شوراى ملى ، موزه توس (مقبره فردوسى )، کارخانه نخ ریسى کوروس اخوان، کارخانه آرد مرشدى ، سازمان نقشه بردارى کل کشور ، بانک سپه (توپخانه )، مجتمع آموزشى یاغچى آباد ، سینما آسیا، سینما سانترال ، کارخانه کانادادراى (زمزم فعلى ) در تهران و اهواز ، کارخانه یخ سازى کورس اخوان و حدود ۱۵۰ خانه و ویلاى خصوصى براى شخصیت هاى مشهور آن زمان اشاره کرد که تقریباً همه به اقتضاى کانسپتى که داشته اند از مصالح ساده و مقاوم محلى تشکیل شده اند و آموزه هاى کلاسیک بوزار پاریس در آنها پیاده شده است.

سیحون همچنین در طول آن سالها عضو شوراى ملى باستان شناسى ، شوراى عالى شهرسازى، شوراى مرکزى تمام دانشگاههاى ایران و کمیته بین المللى« ایکوموس» (Icomos) بوده و به مدت ۱۵ سال مسؤولیت مرمت تمام بناهاى تاریخى ایران را برعهده داشته است.

از دیگر مسؤولیت هاى مهم این معمار و مهندس ایرانى، یکى هم ریاست دانشکده هنرهاى زیباى دانشگاه تهران در یک دوره و سالها تدریس معمارى دراین دانشکده بوده است که در آن دوره شاگردان به نسبت موفقى تربیت مى شود.

مهندس هوشنگ سیحون بیش از دو دهه است که در ونکوور (کانادا) زندگى مى کند و در آنجا به طراحى و نقاشى و تعلیم هنر مشغول است و هر از گاهى بزرگداشتى از سوى برخى مجامع خصوصى و دولتى و دانشگاهى خارج از کشور براى او برگزار مى شود.

مهندس هوشنگ سیحون، معمار و طراح

معمار مقبره ها و یادها

متولد سال ۱۲۹۹ تهران

فارغ التحصیل دانشکده هنرهاى زیباى دانشگاه تهران

دانش آموخته دانشکده هنرهاى زیباى پاریس (بوزار) درمعمارى

رئیس دانشکده هنرهاى زیباى دانشگاه تهران یک دوره

تدریس معمارى در دانشکده هنرهاى زیباى دانشگاه تهران

عضو انجمن شوراى ملى باستان شناسى، شوراى عالى شهرسازى، شوراى مرکزى تمام دانشگاههاى ایران و کمیته بین المللى «ایکوموس» (وابسته به یونسکو) پیش ازانقلاب

چاپ ۳ کتاب «معمارى سیحون» ، «نگاهى به ایران (نقاشى هاى سیاه قلم) و (نیم قرن آثار معمارى ونقاشى سیحون)»

برگزارى نمایشگاهى مشترک با« پابلوپیکاسو » و « سالوادور دالى» در

«ماساچوست» آمریکا ۱۹۷۲

شهروند افتخارى فرانسه

تهیه فیلمى درباره آرامگاه بوعلى سینا به کارگردانى امیرشمخانى

داراى نمایشگاه دائمى در کلکسیون دانشگاههاى هاروارد، ام آى تى، دانشگاه واشنگتن و برکلى

طراح و اجراى تعدادى از مهم ترین بناهاى یادبودى و صنعتى و شخصى درایران مانند آرامگاه بوعلى سینا (همدان)، مقبره عمرخیام نیشابور، مقبره و موزه نادرشاه (مشهد)، مقبره کمال الملک، بانک سپه تهران و…

محمد شمخانى: تظاهرات معمارى مدرن و معاصر ایران آنقدر پراکنده و پوسته پوسته است که خیلى راحت نمى توان به صورت بندى آن پرداخت و از دوره یا دوره هاى مشخص سخن گفت. با استناد به همین آثار و آفرینه هاى جسته و گریخته و با نیت و درک و دریافتى تاریخى و تقویمى از این خط سیر نامنظم، اما کسانى آمده اند و آن را به ادوارى کوتاه برگردانده اند و تفسیرى از آن ارائه داده اند. به مدد چنین تفاسیرى است که مى توان مهندس» هوشنگ سیحون «را یکى از سرآمدان معمارى معاصر ایران و یکى از هنرمندانى دانست که در دوره اى خاص خوب درخشیده است.

دوره اى را که سیحون درآن به آفرینش بناهاى یادبودى و یادواره اى مى پردازد، مهندس« نادر اردلان »در دانشنامه ایرانیکا، دوران « پیدایش نمادهایى از یک هویت ملى روزافزون» مى نامد و بناهاى خلق شده درآن را که« تصاویر گذشته اى افتخارآمیز مانند آرامگاههاى نوبنیاد یا بازسازى شده دانشمندان، شاعران و قهرمانان ملى » و… به شمار مى آمدند « اغلب کوچک و با طرح هایى هنرمندانه »و اجراهایى خوب برمى شمارد که « گواه تحصیلات طراحان ایرانى در پاریس قبل ازجنگ » جهانى دوم به حساب مى آید.

نخستین اثرى که مهندس سیحون ازخود به جا گذاشته ، آرامگاه بوعلى سیناى همدان است که طرح آن در ۲۵سالگى و هنگام تحصیل در دانشکده هنرهاى زیباى پاریس (بوزار) ارائه مى دهد و درمسابقه اى که « انجمن آثار ملى» آن زمان به مناسبت بزرگداشت هزاره بوعلى سینا از سوى یونسکو برپا مى کند، جایزه اول را به دست مى آورد. جایزه اى که ساختن مقبره بوعلى سینا بود و ساختمانى که در ۲۸ سالگى او آغاز و در سى سالگى اش به پایان رسید. وقتى سال گذشته و در یک گفت وگوى اختصاصى از مهندس سیحون پرسیدم که :  « چطور آن همه عبارت پراکنده ونمادها ونمودهاى تاریخى هم روزگار را دریک ساختار پلى فونیک گنجاندید، که در نهایت از آن یک صداى ارکسترال و هماهنگ به چشم و گوش بیننده برسد؟ » اوپاسخ داد: « آرامگاه بوعلى تنها یک آرامگاه یا مقبره نیست، بلکه آرامگاه یا مقبره جزئى ازکل است که یادبود بوعلى است. من خواسته ام با عوامل و عناصر معمارى چه از نظر شکلى وچه از نظر عددى ، از راه نماد و سمبل، شخصیت بوعلى را بیان کنم. و این موضوع در ایران یا سایر جاها معمول نبوده است. شکى نیست که براى هماهنگ کردن این عناصر ممارست و پیگیرى ومطالعه فراوان لازم است که در موقع خود سعى کرده ام کوتاهى نکنم. پس با یک نوع دانش فراگیر در ترکیب و تلفیق این عناصر کوشش خود را به کار برده ام تا چیزى به دست بیاید که در برابر دید شما است. این را هم بگویم که در تمام کارهایم جزئیات ، هر قدر بى اهمیت ،از ذهن من دور نبوده و به فراموشى سپرده نشده است ».

در این گفت وگوى طولانى که قرار بود در کتابى بیاید مهندس سیحون در پاسخ به پرسشى که از او درباره توصیف چشم انداز کلى آثار نوستالژیک اش مى کنم، چنین مى گوید:« بارها و بارها به هنرجویان خودم که در حقیقت یاران هنرى من هستند گفته ام: ما از دو هزار و پانصد سال پیش تا به امروز پیشکسوتانى داشته ایم که براى ما بى اندازه گرامى و محترمند. رسالت، به ما حکم مى کند که امروز کارهایى را که در عالم معمارى وهنر از هر نوع انجام مى دهیم عمیقاً در جایگاهى باشند که درمقابل این پیشکسوتان خجل و شرمنده نباشیم. بنابراین با تمام وجود وعشق بى پایان دست به کار شویم تابه نتیجه مطلوب برسیم. به این کارها که نام بردید(آرامگاه بوعلى سینا، خیام، کمال الملک، نادرشاه و…) با خاطراتى پر از شور و هیجان نگاه مى کنم و به نظرم مى رسد که چقدر نگفته ها دارم که بایدگفته مى شد و افسوس که نیمه کاره ماند. در پدید آوردن این کارها هدفم ابداً تقلیدگذشته نبوده است، بلکه روح و جان ایران مطرح بوده است که با ابزار امروزى باید شکل مى گرفت وخودنمایى مى کرد.»

او همچنین به این پرسش که « اگر مى خواستید با همان روحیه به معمارى بپردازید و مجبور به ترک ایران نمى شدید، پروژه بعدى تان چه بود وچه مى توانست باشد؟ » چنین پاسخ مى دهد:« در پاسخ این سؤال باید بگویم که موضوع یا پروژه خاصى مورد توجهم نیست. اما آنقدر ایده ها و حجم ها و شکلهاى متعدد در ذهنم مى جوشد و در حرکت است که گفتنى نیست و متأسفم چرا امکان پیاده کردن آنها روى خاک کشورم مقدور نیست. حیف و صدحیف. »

این اواخر و بعد از دو دهه سکوت و سردرگمى، پیشنهادهایى دوباره به مهندس سیحون شد که به ایران بازگردد و به طراحى و اجراى آثار مونومنتال دیگرى بپردازد که او هرگز قبول نکرد و فکر کردن به ایران در غربت را به کلنجار رفتن درخاک کشورش ترجیح داد. یکى از آن پروژه هایى که خود من واسطه پیشنهاد آن به این مهندس ارجمند شدم، پیشنهاد طراحى موزه اى با روحیه ساختمانى آرامگاه بوعلى سینا در همدان بود که پذیرفت و اجراى آن را مشروط به نظارت من بر حسن اجراى طرح کرد، که این بار پیشنهاددهندگان نپذیرفتند و بهانه آوردند!

وقتى از مهندس سیحون پرسیدم که« آیا هنوز خودتان را به لحاظ عاطفى یک شهروند ایرانى مى دانید یا نه؟ و آیا هنوز تحولات فرهنگى و هنرى و اجتماعى این کشور برایتان مهم و جالب هست یا نه؟ »او در پاسخ به این آخرین پرسش ام چنین مى گوید:« افتخار مى کنم که ایرانى هستم و افتخار مى کنم که درموقع تولد، ایران عزیز به من این امکان را داده است که پایم را روى خاک مقدسش بگذارم. هیچ گله اى از هیچ کس ندارم و مى دانم بى مهرى ها قطعاً از روى عدم آگاهى نسبت به درون و ضمیر من بوده است.

تمام تحولات فرهنگى و هنرى و اجتماعى کشورم دقیقاً مورد توجهم مى باشند. کوچکترین تصرف، کوچکترین ناملایمتى، کوچکترین خرابى نسبت به آثار ایران آنچنان تأثیر نامطلوبى در قلبم مى گذارد که قادر به بیان آن نیستم.

بعضى دخل و تصرفات در آثار اصفهان و یزد و سایر شهرها که پر از شاهکارها هستند شدیداً مرا متأثر و متأسف مى کند. به طورى که حس مى کنم یک قسمت از وجود ایرانم را مجروح کرده اند و زخم زده اند. به هر حال خودم را فدایى آن سرزمین مى دانم و برایش آرزوى پیشرفت و بارورى دارم. »

یک بخشى از شهرت مهندس سیحون هم به نقاشى ها و به ویژه طراحى هاى او برمى گردد. نقاشى هایى که به نوعى از مینیاتور آغاز شده و در نهایت نیز بدان رسیده است. ماجراى این « فرگشت » را من در نقدى بر آثار او آورده ام و اینجا مجال پرداختن به آن نیست. یکى از مهمترین رویدادها در زندگى هنرى مهندس سیحون که دائم روى آن تأکید مى شود، نمایشگاه هاى مشترک سیحون و پابلو پیکاسو غول هنر قرن بیستم است. در نخستین نمایشگاه مشترک این دو هنرمند که در سالهاى دهه پنجاه در تهران و در گالرى دولتى« مهرشاه » برگزار مى شود، تنها یک بشقاب سرامیک خریدارى شده از آثار پیکاسو به نمایش درمى آید و باقى آثار مربوط و متعلق به سیحون است. برگزارى چنین نمایشگاه به اصطلاح مشترکى و آن هم با چنین عنوانى شاید در تاریخ هنر جهان بى سابقه بوده باشد! داستان نمایشگاههاى مشترک سیحون وپیکاسو به همان نمایشگاه معروف ختم نمى شود و بار دیگر در ماساچوست آمریکا و این بار با همراهى آثارى از سالوادور دالى برگزار مى شود. در این نمایشگاه انگار برخى از منتقدان آمریکایى چنان که مى گویند از کلاف هاى سردرگم سیحون و بافه هاى خط او استقبال مى کنند و از آنها به عنوان آثارى با ارزش و به یاد ماندنى یاد مى کنند.

هوشنگ سیحون متعلق به سومین نسل معماران ایرانی است که تحصیلات خود را در اروپا انجام دادند . در همان سالهای ۲۵۰۷، هنگامیکه سیحون پس از پایان تحصیل در مدرسه بوزار پاریس به ایران آمده و شروع به کار کرد ” سبک بین المللی ” تا حد زیادی در میان معماران رواج یافته بود . در تهران به خصوص در محله های جدید شمال شهر بیش از پیش الگوهای این سبک بویژه در خانه سازی رعایت می شد .

اما دانشکده هنرهای زیبای تهران از همان ابتدای تاسیس روش آموزش بوزار پاریس را برگزید و سیحون نیز خود فارغ التحصیل همین دانشکده بود .

مدت یک ربع قرن ، آنچه که این معمار و معدود همکاران او در ایران ساختند و آموزش دادند ، سرمشق و نمونه کار نسل های بعدی معماران دانشگاه دیده ، حرفه ای های قدیمی و حتی بساز و بفروشها قرار گرفت . ازبناهای مجلل و تشریفاتی که دارای ارزش نمودگاری هستند تا ساختمانهای ساده کوچک در دورترین نقاط کشور هیچیک از این زبان معماری به دور نماندند.در دهه های بعد از جنگ جهانی دوم شیوه های معماری سنتی که عبارت بود از تکرار تعداد معدودی نمونه های اصلی معمارانه برای بناهای مختلف ، به خصوص در شهرهای بزرگ به کلی کنار گزارده شده بود .

احداث خیابانهای سراسری و شبکه جدولی شهری بافت شهری سنتی را دچار دگرگونی اساسی کرده و قطعات مالکیت منظم و مستطیل شکل به وجود آورد .با این تغییرات ساختی در شکل شهر به دوران معماری درون گرا با حیاط مرکزی پایان داده شد و معماران به الگوی تک بناهای جدا از یکدیگر روی آوردند .بدینسان فضای تاریخی جای خود را به محیط جدیدی می داد که روحیه مدرنیزم (نوینگرایی ) در آن بیش از پیش دیده می شد .جهت اصلی معماری که در گذشته روی به سمت یک مرکز روحانی داشت جای خود را به معماری داد که به سمت تحول و آینده گرایش داشت . بخشهای مسکونی شبکه راسیونالیست شهری به وجود آوردند . و کاخهای دولتی و بناهای عمومی که نمودار تحکیم قدرت مرکزی و دولت بود بیشتر در فضاها و میادینی جای گرفتند که از ویژگیهای فضاهای شهری نئوکلاسیک بهره داشت . این دو جنبه معماری که یکی ضرورت ایجاد بناهای ساده و عملی بود و دیگری نیاز به نمایش ارزشها و مظاهر فرهنگی نظام زمانه ، زمینه مناسب خود را در دوگانگی آموزش بوزار در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یافت .

معرفی کار هوشنگ سیحون فرصتی است مناسب برای آنکه بتوان به جریان پیدایش و تحول معماری نوین در ایران و تاثیر مکاتب مختلف فرهنگی بر این معماری نگریست . بعد از جنگ جهانی دوم اروپا غرق در مسئله بحران مسکن بود .معماران در این فرصت روی به نظریه های فونکسیونالیستی که در سالهای بین دو جنگ تحول یافته بود آوردند و برای جبران خرابیهای حاصل از جنگ روی به امیدها و آرزوهای مدرنیزم آوردند . شهرها و محله ها به این ترتیب به سرعت ساخته می شد . ایران در آن هنگام آهسته آهسته گام در راه شهرنشینی متعادلی می گذاشت و به تدریج بناهای عمومی یعنی بناهای اداری ، خدمات عمومی گوناگون و بناهای تشریفاتی جای خود را در شهرها باز می کردند . مسکن جدید نیز از جانب گروهی اجتماعی محدود و روشنفکری ساخته می شد که در آن دوران آداب زندگی فرنگی را کم و بیش آموخته و میل بر ان داشت که تحول را از خانه خود آغاز نماید . در اروپا درست به عکس قدرت اقتصادی این گروه اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم رو به ضعف نهاده بود و الگوی ویلای وینی VIENNOISE سالهای بین دو جنگ جای خود را بیش از پیش به الگوی مسکن اجتماعی و یا به اصطلاح آپارتمان سازی می داد . چنانکه می دانیم الگوهای اخیر توانستند در سی سال بعد از جنگ سیمای شهرهای اروپایی و حومه ها را به کلی زیر و رو کنند .

در ایران و بخصوص در تهران نه تنها گروه نوخواسته روشنفکر و متمکن بلکه آن دسته از شهرنشینان سنتی نیز که با افکار جدید تماس حاصل کرده بودند ، متمایل به ترک مرکز مسکونی و تجارتی شهر ( بازار و محله های اطراف آن ) شدند و به تدریج خانه های خود را در شمال شهر در دامنه کوه البرز بنا نهادند . در اختیار داشتن قطعات بزرگ زمین و نبودن یک بافت شهری پیشین برای شکل دادن به این قطعات موجب شد که محله های جدید تهران نه به صورت یک استخوان بندی شهری بلکه پیرو الگوهایی شبیه به حومه شهرهای آمریکا شکل بگیرند .

در واقع باید پذیرفت که پس از بوجود آمدن محورهایی مانند سپه ، فردوسی و شاهرضا ، مکانهای شهری موفقی که قادر باشند مرکزیت و خصوصیات ویژه ای برای تهران تعریف کنند به وجود نیامد . مرکز شهر در محدوده ای که بین دو جنگ ایجاد شده بود باقی ماند و بخشهای مسکونی پراکنده در خارج آن شروع به شکل گرفتن کرد .درجریان این مهاجرت خطی به سمت دامنه البرز معمار تهرانی با مسئله تک خانه رو به رو بود ، تک خانه ای که هیچگونه گفتگوی معمارانه با یک بافت شهری موجود را در برابر خود نداشت .در حالیکه معماران فرنگ دیده نسل اول توانسته بودند تیپولوژی مسکن بسیار قوی شهری بوجود آورند و ” سبک بین المللی ” را با بافت جدولی تهران هماهنگ سازند ، معماری جدید سرچشمه الهام خود را د ر ویلای منفرد از نوع رایج حومه SUBURBIA در آمریکا یافت . اما در بناهای عمومی که ضرورتا ” در نقاط مرکزی شهر باید ساخته می شد معماران از الگوهای فونکسیونالیست پیروی کردند . استفاده از تکنولوژی ساختمانی جدید ، ایجاد فضاهای چند مصرفی و کاربرد زبان معماری راسیونالیست ، تیپولوژی جدید را برای بناهای عمومی به وجود آورد که به تدریج جای بناهای عممی پیش از جنگ راکه دارای روحیه نئوکلاسیک بودند گرفت .

بناهای یادبود سومین گروه ساختمانهای این دوره بود و در حقیقت تنها فرصت کامل برای ابراز یک زبان صرف معمارانه . برای معمارانی که در مدرسه بوزار فرانسه آموزش دیده بودند کمتر این موفقیت پیش می آمد که بتوانند عظمت و ابهت زبان معاری را که در بوزار فرگرفته بودند درساختمانهای خود به کار گیرند . بناهای یادبود این فرصت را برای آنان فراهم آورد . اما باید به خاطر داشت که مونومانتالیزم بوزار با سبک آکادمیک پیش از جنگ که ملهم از جنبشهای معماری آلمانی سالهای اولیه قرن بیستم بود WERKBUND به کلی تفاوت داشت .

بوزار بعد از جنگ نیز به کلی با بوزار قرن نوزدهم که پیرو سبکی تاریخی گرا بود تفاوتهایی پیدا کرده بود . عطف به جوهر تاریخ جای خود را عطف به عناصر شکلی تاریخ گذشته داده بود و در نتیجه عطف به عناصر شکلی متعلق به دورانها و سبکهای متفاوت ، این برداشت آزاد و التقاطی از دورانهای گذشته اصطلاحا ECLECTISME نامیده می شود .از آنجا که دیگر نظم هندسی بیانگر معنی و محتوی نظم معماری دوره معینی نبود و در عوض به مفاهیم مجردی مانند تناسب ، تقارن و غیره تقلیل یافته بود ، لذا معمار نیز امکان یافته بود که فانتزی های هندسی خود را آزادانه به کار اندازد .

از سوی دیگر کتاب معروف لوکوربوزیه VERS UNE ARCHITECTURE تاثیر بسیاری در محافل معماری گذاشته بود و اهمیت تاریخ ، را به عنوان سرچشمه الهام زبان معماری به کلی ضعیف کرده بود . گرچه تاثیر این کتاب هرگز از درگاه بوزار به درون رخنه نکرد لیک در سست کردن پایه های تاریخ گرای بوزار نقش موثری را ایفاء کرد .

بدین ترتیب زبان مونومنتال جدیدی در معماری بنا های یادبود و آرامگاهها نسج گرفت . ترکیب “( کمپوزیسیون ) غیر مترقبه نقشه به جای تکرار الگوی تثبیت شده تاریخی ، به کار بردن نشا نه های خارجی معماری سنتی ایران و استفاده التقاطی از تکنولوژی های گوناگون ساختمانی خصوصیات اصلی معماری مونومنتال این دوره را تشکیل می دهند .

توجه اصلی معمار معطوف به ابداع شگردی ها و نوآوریها بود .مفهوم ” فضا ” در این معماری چندان جایی نداشت و در عوض ” تاثیرها ” EFFETS اهمیت بسیار یافتند . بدین ترتیب نما اهمیت خارق العاده یافت و مهمترین جنبه نمایشی بنا را به خود اختصاص داد .

می بینیم که در این سبک ، تاریخ روابط ماهوی میان شکل ها و حجم های جای خود ]را[ به تاریخ موتیف ها MOTIFS داده است و معمار تمام کوشش خود را در راه ضبط و ترکیب موتیف های معماری های دوران گذشته به میل و ابتکارشخصی خود به کار برده است .

بدین ترتیب ملاحظه می شود که در دوران خاصی بحرانی که معمار بوزار ناگزیر از تسلیم به نیازهای فوری و حیاطی جامعه و ساده کردن زبان هنری خود است بنای یادبود موضوع استثنایی و جالبی را تشکیل می دهد که معمار بتواند در آن به طریق اولی قوانین بازی خود را به کار اندازد ، قوانینی که در غیر این صورت اعتبار تاریخی خود را از دست داده بودند .

معماری هوشنگ سیحون نیز از بیشتر این خصوصیات برخوردار است . ویلا ها ، بناهای عمومی شهری و بناهای یادبود سه فرصت جداگانه را برای کاربرد سه زبان مختلف برای او به وجود آوردند .

ویژگی کار این معمار را باید در نحوه استفاده از مصالح دید . او نخستین معمار ایرانی بود که آهن و سیمان را به طور عیان در ساختمان به کار برد . وضوح ساخت و شهامت در بیان بی پرده آن که با بانک سپه و اداره پست آغاز شد در خانه ها نیز شکل خاص خود را یافت .کار سیحون از خانه دکتر بابک که از سبک بین المللی بی تاثیر نیست تا منزل خودش در دروس راه مشخصی را طی کرده است .وضوح ساخت ، یافتن حساسیت و سلیقه شخصی نسبت به ترکیب سنگ و آهن را باید در حقیقت موفق ترین بیان او از لحاظ مصالح دانست . سیحون در تحول بعدی خود و به سبب نگاهی که همواره به معماری ایران داشت ارزشهای دیگری را درکار خود گسترش داد .از آن جمله است استفاده از شکلها و عناصر معماری عامیانه ، استفاده از آجر نه تنها در پوشش بلکه هم چنین به منظورهای نمایشی و تزئینی و توجه به برخی جزئیات . باید معتقد بود که با وجود همه برداشتهای التقاطی و تنوع جویی ها ، کار سیحون همواره از نوع خلوص در کاربرد ماده ، برخوردار بوده است . خانه شمشک حد تکامل او درترکیب سنگ و چوب است . همچنانکه ساخت آجری خالص مجموعه آموزشی فرح نمودار پختگی سیحون در رسیدن به یک نوع کمال و حرفه در زبان آجر است .

**خلاصه زندگی نامه**

متولد ۲۴۷۹ ( ۱۲۹۹) در تهران

تا سال ۲۴۹۹ (۱۳۱۹) مشغول تحصیل در دبستان و دبیرستان بوده است ( در تهران ) .

در سال ۲۴۹۹ دیپلمه متوسطه گرفته است .

از سال ۲۴۹۹ تا  ۲۵۰۳ (۱۳۲۳)  موفق به اخذ پایان نامه مهندسی در رشته معمار ی شد . بین سالهای ۲۵۰۴(۱۳۲۴)  و  ۲۵۰۸ (۱۳۲۸) در پاریس در دانشکده هنرهای زیبا در رشته معماری ادامه تحصیل داده و در همین سال به دریافت دیپلم معماری از دانشکده فوق موفق شده است .

بلافاصله به ایران مراجعه نموده و با سمت دانشیار در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و مسئول یک کارگاه معماری مشغول تدریس شده است و ۵ سال بعد به مقام استادی ارتقاع یافته است در سال ۲۵۲۱(۱۳۴۱) به مقام ریاست دانشکده هنرهای زیبا انتخاب و مشغول انجام وظیفه شده است . بنیانگذاری رشته شهرسازی و رشته های موسیقی و تئاتر در دانشکده هنرهای زیبا و همچنین به وجود آوردن دفتر فنی دانشکده از اقدامات سالهای ۲۷-۲۵۲۱ (۴۷-۱۳۴۱) او است .در سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷) از سمت ریاست دانشکده و استادی دانشگاه هر دو استعفاء داد .در این سال در اولین انتخابات انجمن شهر تهران به عضویت انجمن شهر تهران در آمد و به عنوان رئیس کمیسیون شهرسازی در انجمن مشغول انجام وظیفه شد و در اواخر دوره چهارساله انجمن از سمت خود استعفاء  داد و در دفتر شخصی خود مشغول ادامه کار شد . این دفتر از سال ۲۵۰۸ ( ۱۳۲۸) تاسیس شده است که تا هم اکنون به فعالیت خود ادامه میدهد و تمام آثار معماری مهندسی سیحون از همین دفتر طرح ریزی شده است .

وی چند دوره پیاپی نیز به عنوان عضو و نایب رئیس و رئیس انجمن انتخاب شده است در شورهای متعددی از جمله شورای دانشگاه تهران ، شورای مرکزی دانشگاهها ، شورای عالی شهرسازی ، شورای عالی آثار باستانی و ابنیه تاریخی ، شورای عالی ارزشیابی ( وزارت علوم ) ، شورای ایکوموس و نیز در کمیسیون ها و کمیته های متعدد شرکت داشته است . عضو هیات امنای مدرسه عالی ساختمان و موسسات آموزشی فرح بوده و میباشد . فعالیتهای مفصلی در امر معماری کشور داشته است که به ترتیب زمانی شرح داده شده است .

او در سمینارها و سخنرانیهای متعدد در نقاط مختلف ایران شرکت داشته است در شهرهای پاریس ، آکسفورد ، شیکاگو ، لوس آنجلس ، روم ، پالرم ، صوفیه ، آتن ، مسکو و دهلی نو در باب هنر و معماری سخنرانی نموده است .

با اخذ نشانهای درجه ۳ همایون درجه ۱ آبادانی نشان هنر و نشان سپاس مفتخر شده است . در نقاط مختلف جهان آثار نقاشی او به نمایش گذاشته شده است .

از جمله در تهران چند بار به صورت انفرادی و جمعی ، در آمریکا در دانشگاه سانتا باربارا به صورت انفرادی در دانشگاه ماساچوست به اتفاق پیکاسو وسالوادور دالی و در پاریس به صورت انفرادی کارهای نقاشی او هم اکنون در کلکسیون های شخصی علیاحضرت شهبانوی ایران و جمعی از هنر دوستان ایرانی و در فرانسه و در آمریکا در بعضی کلکسیونهای شخصی و در چهار دانشگاه مهم آمریکا در کلکسیون دانشکده مربوطه نگهداری می شود : دانشکده هاروارد ، دانشکده ام آی تی ، واشینگتن یونیور سیتی و برکلی .

در اغلب روزنامه های داخلی و خارجی مقالات و عقاید او در باب معماری و هنر به چاپ رسیده است و در مورد کارهایش بحث شده است .

کتابی تحت عنوان نگاهی به ایران در پاریس مشتمل بر یک قسمت از طرحهای سیحون چاپ شده ( ۱۹۷۳

این بنای جادویی کار معمار زبر دستی به نام **استاد هوشنگ سیحون** است. در مرداد 1335 انجمن آثار ملی در نامه ای به مهندس سیحون نوشت که وضع بنای موجود آرامگاه خیام متناسب با شخصیت علمی و هنری خیام نیست و انجمن در نظر دارد در این مورد اقداماتی به عمل آورد .از سیحون خواسته شد طرح و نقشه جدیدی متناسب با شخصیت خیام طراحی کند. " محل جدید آرامگاه انتخابی سیحون در ((گوشه شمالی باغ)) مورد تایید انجمن قرار گرفت و در پی آن طرح پیشنهادی سیحون در 1337 به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فرستاده شد.مهندس محسن فروغی رئیس دانشکده هنرهای زیبا در نامه ای به انجمن چنین گزارش داد : "طرحی که توسط آقای مهندس هوشنگ سیحون استاد این دانشکده برای آرامگاه حکیم عمر خیام تهیه شده است و(( ماکت های)) مربوط به آن مورد دقت قرار گرفت و از طرف آقای سیحون درباره آن توضیحات کافی داده شد .با توجه به این نکته که در تهیه طرح مزبور از سبک معماری ایرانی حداکثر استفاده به عمل آمده این نقشه چه از لحاظ اصول فن معماری و چه از نظر سبک برای آرامگاه حکیم بزرگ ایران کاملا متناسب است." در 1338 ساخت آرامگاه شروع شد .در سال 1341 پس از سه سال کار مداوم کار ساختمان آرامگاه به پایا ن رسید. مقبره خیام از لحاظ معماری و ساخت یکی از مهم ترین ساختمانهای ساخته شده در زمان خود است. ارتفاع مقبره 22 متر است و استخوان بندی اصلی آن فلزی محاط در پوشش بتنی است.شکل بنا در پایین تقسیم بندی ده گانه دارد و فاصله پایه ها 5 متر است.اضلاع بنا مستقیما به سمت بالا ادامه یافته و به صورت اشکال هندسی منظم تورفتگی پیدا میکنند و بعد به صورت تقریبا مخروطی شکل به هم رسیده شبه گنبدی را در بالا به وجود می آورند که قسمت عمده آن مشبک وتو خالی و یادآور ستاره ای است که نماد شخصیت >علمی و ستاره شناسی خیام تلقی می شود. سطح داخل و خارج مقبره با کاشیهای معرق و اشعار خیام مزین شده است.روکار بنا معرق کاری سنگی استو با قطعات نازک سنگهای محکم و شفاف ساخته شده است.در کنار آرامگاه هفت خیمه سنگی بسیار زیبا وجود دارد که در زیر هرکدام یک حوض آب با کاشی فیروزه ای رنگ ساخته شده است.   
حال می پردازیم به شرح بنای یادبود خیام.در چهار مقاله نظامی عروضی آمده است :شنیده بودم که خیام گفته بود:( من آرزو دارم مزارم در جایی باشد که در بهاران برگ گل روی مزارم بریزد ) بنابراین بنای یادبود و آرامگاه باید طور ی ساخته می شد که باز باشد و این خواسته خیام انجام شود. در منتهی الیه محور نامبرده که فاصله نسبتا قابل توجهی با امام زاده محروق داشت در میان درختان کاج تنومند و زرد آلو محل مناسب بنا در نظر گرفته شد در اینجا اختلاف سطحی در حدود 3   
متر وجود داشت که در فصل بهار شکوفه های زرد آلو روی مزار میریزد. از همین وضعیت استفاده شد و مجموعه بنا شامل یک برج و چشمه سارهای اطراف آن به دور یک دایره بزرگ طراحی شد به طوریکه برج هم کف زمین و چشمه سارها در اختلاف سطح قرار گیرند. خیام در واقع سه شخصیت دارد :ریاضی دان است- منجم و شاعر که باید هر سه شخصیت در بنا نشان داده می شد . دایره کف به ده قسمت تقسیم شد به طوری که برج یادبود بر 10 پایه مستقر باشد. عدد 10 اولین عدد دو رقمی ریاضی است و پایه اصلی بسیاری از اعداد است. از هر یک از پایه ها دو تیغه مورب به طرف بالا حرکت می کند به ترتیبی که با تقاطع   
این تیغه ها حجم کلی برج در فضا ساخته می شود و چون تیغه ها مورب اند خطوط افقی آنها باید ناظر به محور عمودی برج باشد .پس تیغه ها به صورت مارپیچ شکل به طرف بالا حرکت می کنند تا با هم تلاقی کنند و از طرف دیگر سر در بیاورند که خود یک شکل پیچیده ریاضی و هندسی است. این شکل با عدد 10 هر دو **سمبل دانش ریاضی خیام**است.بر خورد تیغه ها با یکدیگر فضاهای پر و خالی و به خصوص در بالا ستاره های درهمی را به وجود می آورند که از لابلای آنها آسمان آبی نیشابور پیدا است و به تدریج به طرف نوک گنبد ستاره ها کوچکتر می شوند تا درآخر یک ستاره   
پنج پر آنها را کامل میکند.این ستاره ها و آسمان اشاره به**شخصیت نجومی خیام** دارد . و اما برخورد تیغه ها با هم ده لوزی بزرگ می سازند که باید با کاشی کاری پر شوند. بهترین تزیین خود رباعیات خیام بود که به صورت خط شکسته و در هم به روش(( سیاه مشق)) های خطاطان بزرگی مانند میر عماد و بعضی استادان شکسته نویس با کاشی به صورت نقوش انتزاعی سرتاسر لوزی ها را پر کند .به تقاضای(( انجمن آثار ملی)) شادروان استاد جلال همایی بیست رباعی به این منظور انتخاب کردند و استاد مرتضی عبدالرسولی با نظر اینجانب که به صورتیکه می خواستم, این   
خطوط در هم و تزیینی باشند زیبا نویسی ها را انجام دادند که با کاشی معرق آماده و به شکل کتیبه های تزیینی به ارتفاع حدود 14 متر داخل لوزی ها نصب شد که باید گفت در تاریخ معماری ایران اولین بار بود که خط شکسته در تزیینات بنا به کار رفت.از داخل نیز قسمت های پر از جمله همین لوزی ها با نقش گل و برگ و پیچک باز از هم با کاشی معرق تزیین گردیدند و تماما اشاره به **شخصیت شاعری خیام** است. دور تا دور برج در قسمت اختلاف سطح چشمه سارها در اطراف یک دایره وسیع به مرکز خود برج ساخته شد.همه از سنگ گرانیت با اجزا مثلثی شکل و تورفتگی و   
برون آمدگی هایی که تا اندازه ای شکل خیمه را تداعی میکنند واین **اشاره به نام خیام** است .چون پدرش خیمه دوز بود نام او به همین مناسبت انتخاب شد. از طرف دیگر حوض ها با کاشی فیروزه که در مجموع قسمتی از ستاره را نشان می دهند به تعداد هفت پر به مفهوم هفت فلک و هفت آسمان و هفت تپه باز **اشاره به افلاک و نجوم دانش دیگر خیام**است.روی هم رفته مجموعه در یک حال و هوای شاعرانه با درختان تنومند در اطراف ساخته شد .و همان طور که خواست خود خیام بوده کاملا باز است و مزارش بهاران گل افشان.در قسمت دیگر باغ   
بناهای دیگری جهت کتابخانه و مهمانسرای موقت با ملحقات برای مستشرقین و محققین ساخته شده است که از شرح جزییات صرف نظر میشود